

امکان‌سنجی وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود

فائزه واحد

پژوهشگر حقوقی

چکیده

در دنیای امروزه و با وقوع انقلاب تکنولوژی و فناوری اطلاعات، الگوی اقتصاد جهانی، تغییر اساسی کرده و دانش به عنوان مهم‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه مالی و فیزیکی شده است و دارایی‌های نامشهود از مهم‌ترین اشکال جدید دارایی‌ها است. اما از منظر اجرایی، هنوز سازوکار عملی برای استفاده از این دارایی‌ها جهت دریافت تسهیلات بانکی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در سال‌های اخیر قانون‌گذاران با این مهم روبه‌رو شده‌اند که در مواردی همچون شرکت‌های دانش‌بنیان و فناورمحور، ارزش دارایی‌های نامشهود بیشتر از دارایی‌های مشهود است، از این رو تلاش کرده‌اند تا در راستای مدیریت و استفاده صحیح از این دارایی‌ها گام بردارند. امکان‌سنجی استفاده از دارایی‌های نامشهود جهت دریافت تسهیلات بانکی امری است که صراحتاً در بند (۲) ماده (۷) آیین‌نامه حمایت از تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین مورد اشاره قرار گرفته و بانک مرکزی را موظف کرده تا نسبت به بسترسازی برای استقرار نظام اعتبارسنجی و گسترش دایره شمول وثایق از جمله دارایی‌های نامشهود و تضامین در نظام بانکی برای شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآور اقدام نماید. اما چالش اصلی این است که اعطای تسهیلات بانکی در قالب عقد رهن بوده و عقد رهن مطابق با قانون مدنی دارای شرایط و اوصافی است که قابل انطباق با دارایی‌های نامشهود نمی‌باشد. لذا در مقام سنجش و به لحاظ نظری باید گفت آن دیدگاهی که بتواند با کم‌ترین تغییر در نظام فعلی، نتیجه مطلوب را حاصل کند، بهتر می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. اما از منظر عملی، امکان مقابله با ظهور قانون مدنی در مورد عین معین بودن مرهونه و وجوب قبض نیست و نمی‌توان شرط بودن آنها را انکار کرد. در نتیجه با توجه به قانون مدنی قابلیت پذیرش دارایی‌های نامشهود در قالب عقد رهن امکان‌پذیر نیست و باید از راه‌های قانونی دیگری بهره جست که یکی از کارآمدترین راهکارها، افتراق بین عقد رهن و قرارداد وثیقه است.

واژگان کلیدی: دارایی‌های نامشهود، وثیقه‌گذاری، عقد رهن

پیشگفتار

امروز اطلاع و دانش با زندگی بشر چنان درهم آمیخته شده است که آن را عصر اطلاعات نامیده‌اند. طبق گفته آلوین تافلر^۱، نویسنده و آینده‌پژوه آمریکایی، بی‌سواد در قرن ۲۱، کسانی نخواهد بود که خواندن و نوشتن نمی‌دانند بلکه کسانی هستند که نتوانند یاد بگیرند یا یاد دهند. در این شرایط نقش انسان در سازمان و نوع نگاه به او، سهم بسزایی در موفقیت یا شکست سازمان خواهد داشت. در مدیریت علمی تیلور^۲، انسان چیزی جز ابزار کار تلقی نمی‌شد. اما با ظهور نهضت روابط انسانی، نوع نگاه به انسان تغییر کرد و به تدریج در کنار منابع مختلف سازمان چون منابع مالی، تکنولوژیک، اطلاعاتی و... منابع انسانی نیز مطرح شد. با آغاز هزاره سوم، هر روز نقش منابع انسانی پررنگ‌تر شده و اکنون از آن به عنوان مهم‌ترین عامل کسب مزیت رقابتی پایدار یاد می‌شود. این امر خصوصاً در اقتصاد دانشی امروز بیش از پیش به حقیقت پیوسته است. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴) به عبارت دیگر می‌توان گفت در دنیای امروزه و با وقوع انقلاب تکنولوژی و فناوری اطلاعات، الگوی اقتصاد جهانی، تغییر اساسی کرده و دانش به عنوان مهم‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه مالی و فیزیکی شده است. اگر تا سال‌های قبل، میزان دارایی‌های فیزیکی و مشهود برای ارزش‌گذاری فعالیت‌های اقتصادی حائز اهمیت بود، در دنیای امروز نوع دیگری از دارایی‌ها نیز برای سنجش سطح فعالیت‌های اقتصادی به‌وجود آمده‌اند. همین امر باعث شده تا شیوه رقابت در بازارهای مالی نیز دچار تغییر و دگرگونی شود و اقتصاد دانشی از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

در توضیح اقتصاد دانشی باید گفت با ورود به هزاره سوم بسیاری از ابعاد زندگی بشر دستخوش تغییراتی شگرف شده و اقتصاد نیز از این امر مستثنی نبوده است. اقتصاد عصر حاضر به شدت تحت تأثیر مفهومی به نام دانش قرار دارد و از آن با عنوان اقتصاد دانشی یا اقتصاد دانش‌محور یاد می‌شود. در این اقتصاد همه چیز بر پایه دانش قرار دارد. سازمان‌هایی که در آن فعالیت می‌کنند، سازمان دانشی نامیده می‌شوند. کاری که در این سازمان‌ها انجام می‌گیرد، کار دانشی است و کارکنان این سازمان‌ها نیز دانشگران هستند. در چنین شرایطی رشد و زوال، بقا و نابودی سازمان‌ها همه در گروی چگونگی کسب، ایجاد و به کارگیری دانش است. (شاه مرادی و فلاح، ۱۳۹۶)

^۱ Alvin Toffler

^۲ مدیریت علمی که تیلوریزم (Taylorism) نیز نامیده می‌شود، کاربرد نظریه فردریک تیلور در محل کار برای بهبود بهره‌وری اقتصادی است. تیلور اصول مدیریت علمی (The Principles of Scientific Management) را در سال ۱۹۹۱ منتشر کرد که روند استفاده او از مطالعات علمی برای تجزیه و تحلیل، بهینه‌سازی و استانداردسازی گردش کار را توضیح می‌دهد.

براساس آنچه گفته شد و ویژگی‌هایی که عصر جدید پدید آورده، سنجش میزان دارایی‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که این کلمه در علم حقوق دارای تعریف مشخصی نیست و می‌توان مال^۱، کالا^۲، سهام^۳، اوراق بهادار^۴، خدمت^۵ و دین^۶ را به منزله دارایی تلقی کرد. کلمه دارایی بیشتر در علم حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور از آن همه اموال و منابع اقتصادی است که در معاملات اقتصادی کسب می‌شوند. به بیان ساده‌تر در عملیات اقتصادی و مالی یک سری منابع اقتصادی به مالکیت واحد تجاری در می‌آید که بر حسب فاکتور پول مورد سنجش قرار می‌گیرند و به آن دارایی گفته می‌شود. دارایی‌ها به طور کلی به سه روش طبقه‌بندی می‌شوند:

^۱ اگرچه در قانون مدنی از «مال» تعریفی ارائه نشده و تنها انواع آن برشمرده شده است؛ مطابق با بند (ب) ماده (۱) قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، مصوب ۱۳۹۷، مال هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیرمشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار می‌باشد.

^۲ مطابق با بند (۲) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۶، منظور از کالا هر شیء منقول و یا غیرمنقولی است که می‌تواند مورد مبادله و استفاده قرار گیرد. همچنین در بند (ب) ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۴، کالا هر شیء است که در عرف، ارزش اقتصادی دارد.

^۳ مطابق با ماده (۲۴) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷، سهم، قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. عبارت «سهام شناور آزاد» در بند (ب) ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و عبارات «سهام مدیریت» و «سهام کنترلی» نیز در ماده (۶۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تعریف شده‌اند.

^۴ مطابق با بند (۲۴) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴، اوراق بهادار هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد. شورا، اوراق بهادار قابل معامله را تعیین و اعلام خواهد کرد. مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار در متن این قانون، معادل هم در نظر گرفته شده است. همچنین مطابق با بند (الف) ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، گواهی سرمایه‌گذاری، اوراق بهادار متحدالشکلی است که توسط صندوق سرمایه‌گذاری منتشر و در ازای سرمایه‌گذاری اشخاص در صندوق با درج مشخصات صندوق و سرمایه‌گذار و مبلغ سرمایه‌گذاری به آنها ارائه می‌شود.

^۵ مطابق با بند (۳) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، خدمت، محصول غیرملموسی که استفاده از آن از فرایند تولید آن قابل تفکیک نیست. همچنین وفق در ماده (۳) قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۴۵، درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیر نقد تحصیل می‌کند مشمول مالیات حقوق است.

^۶ گفتنی است دین در زمره دارایی‌های منفی قرار می‌گیرد. براساس ماده (۲۰) قانون مدنی، کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم، در حکم منقول است ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.

دارایی

روش استفاده

وجود فیزیکی

قابلیت تبدیل

غیر عملیاتی

عملیاتی

نامشهود

مشهود

ثابت

جاری

آنچه در این نوشتار اهمیت دارد، وجود فیزیک دارایی است. بیشتر دارایی‌های شناخته شده، ماهیت مشهود و عینی دارند و ارزش این دارایی‌ها به طور ادواری اندازه‌گیری و افشا می‌شود. دارایی‌های فیزیکی، می‌تواند به معنی زمین، ماشین‌آلات، موجودی کالا، تجهیزات و... باشد، درحالی که دارایی‌های نامشهود^۱ فاقد ماهیت عینی هستند. معمولاً مواردی مانند سرقتی، حق اکتشاف، حق اختراع، حق تألیف، حق امتیاز و علائم تجاری به عنوان مثال‌هایی برای این دارایی در نظر گرفته می‌شوند، اما امروز با تغییر مدل کسب‌وکار و پیشرفت و توسعه روش‌های درآمدزایی مواردی مانند لیست شماره موبایل یا ایمیل‌های مشتریان، مدل درآمدی یا دامنه سایت مؤسسه و نرم‌افزار رایانه‌ای نیز به عنوان دارایی‌های نامشهود در نظر گرفته می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی دارایی‌های نامشهود به دو دسته «قابل تشخیص» و «غیرقابل تشخیص» تقسیم می‌شوند:

۱. قابل تشخیص: این دارایی‌ها قابل تقسیم هستند و حتی می‌توان آنها را به فروش رساند. مانند حق اکتشاف، حق اختراع، حق تألیف، حق امتیاز.

۲. غیر قابل تشخیص: این دارایی‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از واحد تجاری هستند. مانند سرقتی^۲ (زمانی به عنوان دارایی شناسایی می‌شود که در ازای وجه نقد یا ما به ازای غیرنقدی تحصیل شود).

بدون شک مهم‌ترین ویژگی دارایی‌های نامشهود همانطور که گفته شد، غیرعینی بودن آنهاست. زیرا این دارایی‌ها با تکیه بر ماهیت غیرعینی خود شناخته می‌شوند و با وجود همین ویژگی از دارایی‌هایی مانند حساب دریافتنی متمایز می‌شوند. اماگاهی دارایی‌های نامشهود در درون یا بر روی یک عنصر فیزیکی هستند، مانند لوح فشرده مربوط به نرم‌افزار. در این مواقع برای قضاوت در مورد اینکه

¹ Intangible assets

^۲ مطابق با مقررات ایران که در ادامه توضیح داده خواهد شد، سرقتی جز دارایی‌های نامشهود محسوب نمی‌شود.

دارایی باید در کدام دسته (مشهود یا نامشهود) طبقه‌بندی شود باید به این نکته توجه کرد که کدام عنصر مهم‌تر است. برای مثال نرم‌افزار مربوط به ماشین آلات جزئی از ماشین آلات است و باید به عنوان دارایی‌های مشهود دسته بندی شود.^۱

همچنین دارایی نامشهود باید قابل تشخیص باشد. یعنی باید بتوان آن را از واحد تجاری جدا کرد. برای مثال سرقفلی واحد تجاری در صورتی که از کل واحد تجاری یا سایر دارایی‌های واحد تجاری قابل تشخیص نباشد، به عنوان دارایی نامشهود شناسایی نمی‌شود حتی اگر منافع آتی داشته باشد. یک دارایی زمانی قابل تشخیص است که یکی از شرایط زیر را داشته باشد:

- جدا شدنی باشد، یعنی بتوان آن را به منظور فروش، انتقال یا اجاره از واحد تجاری جدا کرد.
- ناشی از حقوق قراردادی یا قانونی باشد. صرف‌نظر از این که قابل جدا شدن از واحد اقتصادی و انتقال یا فروش باشد.

علاوه بر دو ویژگی غیرعینی بودن و قابل تشخیص بودن، لازم است تا واحد تجاری بر دارایی نامشهود کنترل داشته باشد. یعنی هم بتواند از منافع آتی آن استفاده کند و هم بتواند از دسترسی دیگران به منافع آن جلوگیری کند. اگرچه که داشتن منافع اقتصادی آتی ویژگی اصلی تمام دارایی‌هاست و به نظر این نکته بدیهی می‌آید؛ اما مشکل این است که اثبات چگونگی دستیابی به جریان ورودی منافع اقتصادی به درون واحد تجاری از محل این دارایی به آسانی قابل انجام نیست. در برخی موارد شواهد عینی مرتبط با منافع اقتصادی آتی منتسب به یک دارایی نامشهود را می‌توان از طریق بررسی بازار کسب کرد. برای مثال می‌توان تأثیر شهرت یک واحد تجاری را با مقایسه میزان فروش واحد تجاری و دیگر واحدهای تجاری هم‌صنف بررسی کرد. گاهی جریان منافع اقتصادی یک دارایی نامشهود می‌تواند تأثیر بر دارایی‌های مشهود باشد. برای مثال به کارگیری دانش جدید فنی می‌تواند باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید شود.

اهمیت دارایی‌های نامشهود (مانند: مهارت‌های نیروی کار و سازمان) در تعیین سودهای آتی به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. علاوه بر این، شناسایی کردن این دارایی‌ها مشکل‌تر است و این سختی مربوط به تعیین ارزش آنهاست که از گذشته تا به امروز ادامه داشته و احتمالاً به همین دلیل است که در بیشتر شرکت‌ها اصلاً گزارش نمی‌شوند. همین امر باعث شده که این دارایی‌ها برای جهان خارج از مؤسسه، نامرئی باقی بمانند و حتی گاهی اوقات برای کارکنان درون سازمان نیز قابل تشخیص نباشند. اهمیت دارایی‌های نامشهود از آنجا مشخص می‌شود که برخی از دارایی‌های نامشهود به عنوان مزیت‌های رقابتی شرکت‌ها هستند که توسط رقبا به سختی قابل کپی‌برداری می‌باشند، به همین دلیل اهمیت تعریف دقیق این دارایی‌ها، اندازه‌گیری و مدیریت آنها روز به روز بیشتر می‌شود و از جمله مسایل مهم مد نظر مدیران است.

دارایی‌های نامشهود، علیرغم سختی اندازه‌گیری و ناملموس بودن، اهمیت فراوانی دارند؛ چرا که اقتصاد حاکم بر دارایی‌های نامشهود، به درک بهتر ریشه‌های رشد اقتصادی پایین و نابرابری کمک می‌کند. اما پرسش اصلی اینجاست که چگونه می‌توان این امکان را ایجاد کرد که با حذف تنگنای موجود در سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود، اقتصاد کارآمدتر شود و رشد اقتصادی سرعت بیشتری به خود بگیرد. چراکه با توجه به آمارهای ارائه شده، به‌نظر می‌رسد میزان تمایل شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود، علیرغم اهمیت و سودآوری، رو به کاهش است.

^۱ معیار قضاوت گفته شده، منطبق با استاندارد حسابداری شماره (۱۷) ایران است.

براساس برخی سنجه‌ها، در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، در آمریکا، هزینه سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته بر روی دارایی‌های نامشهود، از هزینه سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته بر روی دارایی‌های مشهود پیشی گرفته بود؛ هرچند به نظر می‌رسد که سرعت این هزینه‌ها در دارایی‌های نامشهود از زمان بحران مالی در سال ۲۰۰۸، نسبتاً کاهش یافته است؛ به طوری که رشد سالانه هزینه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود در کشورهای توسعه‌یافته بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸، حدود ۳ تا ۷ درصد بود؛ در حالی که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸، این رقم در هر سال به سختی از ۳ درصد فراتر رفته است؛ به عبارت دیگر علیرغم اینکه در سال‌های اخیر سودسازی شرکت‌ها رشد خوبی داشته، سرمایه‌گذاری نامشهود توسط آن‌ها به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی، افزایش چندانی نیافته است. به گفته هسکل و وست^۱، علت اصلی عدم تداوم جذابیت بازار دارایی‌های نامشهود، در کلیت سامان اقتصادی و مالی است که نمی‌تواند به درستی از تخصیص سرمایه‌گذاری در این نوع دارایی‌ها حمایت کند؛ آن‌ها خاطرنشان می‌کنند که جهش‌های بزرگ اقتصادی، اغلب به کمک نهادها در برانگیختن انگیزه‌ها و تخصیص کارای فعالیت‌ها، سرعت داده می‌شوند؛ در نتیجه تشویق و برانگیختن انگیزه‌ها در راستای تأمین مالی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در یک مطالعه با در نظرگیری ۲۹ کشور توسعه‌یافته، طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵، نشان داده می‌شود که بخش‌های وسیعی از دارایی‌های نامشهود^۲، در جایی که دسترسی به منابع مالی آسان‌تر باشد و سیستم‌های مالی توسعه‌یافته‌تر باشند، با بهره‌وری بیشتری همراه هستند. توسعه سیستم‌های مالی در نقاط مختلف جهان، می‌تواند به رونق انواع شاخص‌های اقتصادی نیز منجر شود و در ادامه تمایل به سرمایه‌گذاری در این حوزه افزایش یابد؛ برای نمونه رشد سالیانه بهره‌وری نیروی کار^۳، در بخش تجهیزات کامپیوتری^۴ (دو سوم دارایی‌ها در بخش تجهیزات کامپیوتری، دارایی‌های نامشهود هستند)، در کشورهای توسعه‌یافته مالی مانند ژاپن، نسبت به کشورهای دیگر بالاتر است. بنابراین نحوه سازماندهی نقدینگی به سوی دارایی‌های نامشهود، با توجه به توسعه‌یافتگی سیستم مالی و تأمین مالی آسان، علت عدم تداوم جذابیت بازار دارایی‌های نامشهود است. (دبیریان، ۱۴۰۱)

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تمایل فعالان اقتصادی، امکان یا عدم امکان وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود است. به عبارتی دیگر، امکان‌سنجی وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود از مسائل مهمی است که در میزان تمایل اشخاص به سرمایه‌گذاری در این حوزه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در بسیاری از نقاط جهان، همچنان تأمین مالی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها، از طریق بدهی^۵ با استفاده از وثیقه^۶ مرسوم است؛ این مسأله بسیاری از شرکت‌هایی را که در فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود مشغول هستند، مانند شرکت‌های

^۱ جاناتان هسکل (Jonathan Haskel)، سیاست‌گذار بانک مرکزی انگلیس (Bank of England policymaker) و استیان وست (Stian Westlake) از انجمن آماری سلطنتی انگلیس (Britain's Royal Statistical Society)، نویسندگان کتاب «سرمایه‌داری بدون سرمایه» (Capitalism Without Capital) منتشر شده در نوامبر ۲۰۱۷ هستند.

^۲ Intangible-heavy sectors

^۳ Annual labour-productivity growth

^۴ Computer equipment

^۵ Debt-financed

^۶ Collateral

بیوتکنولوژی^۱ به سمت تأمین مالی از سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز^۲ سوق می‌دهد؛ تأمین مالی از سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، به شکل قوی در اختیار شرکت‌های آمریکایی قرار گرفته است و اغلب سرمایه‌گذاری‌ها در بسیاری از نقاط جهان، هنوز هم به کمک دارایی‌های فیزیکی، به عنوان وثیقه صورت می‌گیرد؛ بنابراین هسل و وست، از ابزارهای سرمایه‌گذاری بزرگ مانند صندوق مالی دارایی‌های بلندمدت^۳ حمایت می‌کنند؛ این صندوق در انگلیس، به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بتوانند به سمت دارایی‌هایی با نقدشوندگی کمتر، با دیدگاه بلندمدت حرکت کنند (برخلاف آنچه در سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود نیاز است). بنابراین با رونق بخشیدن به ابزارهای سرمایه‌گذاری بزرگ، اجرای سیاست‌هایی مانند پایان دادن به مزایای مالیاتی تأمین مالی بدهی^۴، عدم جلوگیری از ترکیب ایده‌ها در قوانین ثبت اختراع و کمک به رونق مکان‌هایی که می‌توانند با شکل‌دهی روابط کارا و تشویق ایده‌های جدید، مجموعه وسیع‌تری از ذی‌نفعان را تشکیل دهند، می‌توان به نزدیک کردن شرایط بازی بین سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود و مشهود امیدوار بود. (همان)

پیشینه قانونی

از نقطه نظر تاریخی، قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱)، اولین سند قانونی بود که صراحتاً به دارایی‌های نامشهود اشاره کرد. در این قانون ذیل فصل چهارم با عنوان «توسعه مبتنی بر دانایی»، وفق ماده (۴۵) دولت موظف شد به منظور گسترش بازار محصولات دانایی‌محور و دانش بنیان، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی و تعاونی در این قلمرو، تمهیدات و سازوکارهای لازم به منظور ارزش‌گذاری و مبادله محصولات نامشهود دانایی‌محور را پیش‌بینی کند. در ادامه نیز، قانون‌گذاران در تبصره (۲) ماده (۲۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، دارایی‌های نامشهود را به رسمیت شناخته‌اند. در این تبصره شرکت‌های مشاور و دانش پایه که دارای دارایی‌های فیزیکی و مالی محدودی بوده و ارزش آنها عمدتاً دارایی‌های نامشهود است، مورد شناسایی قرار گرفتند.

لازم به ذکر است که در دو قانون مذکور، تعریفی از دارایی‌های نامشهود ارائه نشد و تنها این دارایی‌ها نیز در کنار دارایی‌های مشهود مورد قبول واقع شده‌اند. گفتنی است این دارایی‌ها (ذیل دارایی‌های ثابت) در تعیین میزان ارزش شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌های دانش بنیان و فناوریانه نقش به‌سزایی دارند. از این رو تعریف و نحوه ارزش‌گذاری آنها به تفصیل در استاندارد حسابداری شماره (۱۷) مصوب ۱۳۸۶ ذکر شد. اگرچه که بعدتر و ذیل بند (الف) ماده (۱) آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری، مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۷ هیأت‌وزیران نیز مورد تعریف قرار گرفتند.

مطابق با استاندارد حسابداری شماره (۱۷)؛ دارایی نامشهود، یک دارایی قابل تشخیص غیرپولی و فاقد ماهیت عینی است و وفق آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود؛ دارایی نامشهود عبارت است از دارایی غیرپولی که ماهیت عینی ندارد و از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانون ناشی می‌شود، صرف‌نظر از اینکه چنین حقوقی قابل انتقال یا جداسازی باشد یا نباشد.

¹ Biotechnology

² Venture capita

³ The Long-Term Asset Fund

⁴ تأمین مالی به صورت بدهی در آمریکا دارای مزیت مالیاتی است؛ به صورتی که بهره وام استقراض شده، مشمول مالیات نمی‌شود

علاوه بر اسناد قانونی یاد شده (در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند) که اسناد دست اول در شناسایی دارایی‌های نامشهود و شیوه ارزش‌گذاری آنها به‌شمار می‌روند، اسناد قانونی دیگری نیز به نحوی از انحا به این دارایی‌ها اشاره کرده‌اند. در واقع پس از به رسمیت شناخته شده دارایی‌های نامشهود در کنار دارایی‌های مشهود (ذیل دارایی‌های ثابت) هرجا سخن از حسابداری، طبقه‌بندی دارایی‌ها و یا واگذار سهام شده، دارایی‌های نامشهود نیز در کنار دارایی‌های مشهود قرار گرفته‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق در استان‌ها مصوب ۱۳۸۶/۲/۲۳ هیأت وزیران
 ۲. ماده (۱۶) آیین‌نامه مالی شرکت‌های تابعه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران مصوب ۱۳۸۶/۵/۲۴ هیأت وزیران
 ۳. ماده (۸) آیین‌نامه شرایط عرضه سهام شرکت‌های مشمول واگذاری در بورس یا بازار خارج از بورس مصوب ۱۳۸۶/ ۹/ ۱۲ شورای عالی بورس
 ۴. بند (۲-۴) قسمت (ب) ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قیمت‌گذاری سهام متعلق به دولت و شرکت‌های دولتی، تخفیف‌ها و چگونگی پرداخت قیمت توسط خریداران مصوب ۱۳۸۷/۲/۲ وزرای عضو کمیسیون اقتصاد هیأت دولت
 ۵. بند (۲-۴) قسمت (ب) ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی شیوه‌های قیمت‌گذاری بنگاه‌ها و نحوه اعمال شیوه‌های مذکور در همین چارچوب مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
 ۶. بند (ب) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی جزء (ب) بند (۷۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۹ هیأت وزیران
 ۷. بند (ب) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی بند (۳۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۷/۲۳ هیأت وزیران
 ۸. بند (ب) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی بند (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۶/۲۴ هیأت وزیران
- در موارد بالا، تنها به دارایی‌های نامشهود در کنار دارایی‌های مشهود به عنوان یکی از ارکان محاسبه دارایی اشاره شده است. از این رو از ذکر متن ماده مرتبط جهت جلوگیری از اضافه‌گویی پرهیز شد. اما سه سند قانونی مهم دیگر در این خصوص به تصویب رسیده‌اند که لازم است به متن ماده آنها نیز اشاره شود:

- برنامه توسعه تولید محصولات دانش بنیان مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰ هیأت وزیران: مطابق با بند (ت) ماده (۱۸) ذیل بخش پنجم با عنوان «برنامه‌های اقدام نهادسازی مناسب نظام مالی و پولی تخصصی مورد نیاز تولید محصولات دانش بنیان»، به منظور تأمین مالی مناسب برای توسعه تولید، بازار و صادرات محصولات دانش بنیان، دبیرخانه کارگروه موظف شد با همکاری دستگاه‌های عضو کارگروه، نسبت به تهیه گزارش در خصوص تسهیل نحوه ورود شرکت‌های دانش بنیان به بازار بورس و مسایل مرتبط با ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود اقدام نموده و نتیجه را به کارگروه گزارش نماید.
- تصویب‌نامه درخصوص دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات/اعتباری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۴ بانک مرکزی: مطابق با بند (۱) و تا زمان فراهم شدن زیرساخت‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی لازم، سرقفلی محل کسب و پیشه (حق کسب و پیشه) از اقلام دارایی‌های نامشهود حذف و سرقفلی مذکور در کسورات سرمایه لایه ۱ لحاظ نخواهد شد.
- آیین‌نامه حمایت از تولید، دانش بنیان و اشتغال‌آفرین در حوزه اقتصاد مصوب ۱۴۰۱/۵/۱۹ هیأت وزیران: مطابق بند (۲) ماده (۶) به منظور رفع چالش‌ها و توسعه بهره‌مندی شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان از ظرفیت‌های بازار سرمایه و به‌منظور تشخیص

ارزش و ارتقای سهم دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها در نظام مالی و اعتباری کشور، اقدامات زیر با رعایت قوانین و مقررات مربوط انجام می‌شود:

الف - دستگاه‌های اجرایی مجازند در مواردی که نیاز به کارشناسی در حوزه دارایی‌های نامشهود وجود دارد، از گزارشات ارزش‌گذاری کارشناسی شرکت‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود دارای مجوز از معاونت علمی و فناوری رییس جمهور استفاده نمایند.

ب - شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان مجازند معادل ارزش دانش فنی محصولات دانش بنیان خود را بر اساس گزارش شرکت‌های فوق‌الذکر به عنوان دارایی نامشهود در دفاتر خود شناسایی نموده و معادل آن را به حساب افزایش سرمایه منظور کنند. سازمان بورس و اوراق بهادار مجاز است صورت‌های مالی حسابرسی شده این شرکت‌ها را ملاک عمل قرار دهد.

پ - سازمان حسابرسی مکلف است با همکاری معاونت علمی و فناوری رییس جمهور ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه نسبت به اتخاذ تمهیدات لازم برای اجرای صحیح و کامل استاندارد حسابداری شماره (۱۷) با عنوان دارایی نامشهود از جمله کلیه دارایی‌های فکری، حقوق ناشی از قراردادهای مجوزهای قانونی و نیز سرمایه انسانی، سازمانی و ارتباطی (شبکه‌ای) با تأکید بر ثبت دانش فنی و حق ثبت اختراع اقدام نماید.

ت - معاونت علمی و فناوری رییس جمهور با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور نسبت به تهیه دستورالعمل اجرایی نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود شرکت‌های دانش بنیان اقدام و ابلاغ نماید.

اما مهم‌ترین قسمت این آیین‌نامه که مرتبط با موضوع گزارش حاضر است، بند (۲) ماده (۷) می‌باشد که صراحتاً امکان وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود را به رسمیت شناخته است. مطابق با بند مذکور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در جهت کمک به توسعه نظام تامین مالی نوآوری از طریق بانک‌های دولتی و صنعت بیمه مکلف است نسبت به بسترسازی برای استقرار نظام اعتبارسنجی و گسترش دایره شمول وثایق از جمله دارایی‌های نامشهود و تضامین در نظام بانکی برای شرکت‌های دانش بنیان و نوآور اقدام نماید.^۱

با توجه به موارد ذکر شده، به نظر می‌رسد میزان اهمیت دارایی‌های نامشهود در دنیای اقتصادی امروز، دیگر بر هیچ کس از جمله قانون‌گذاران پوشیده نیست. از این رو قانون‌گذاران در تلاش هستند تا با ایجاد بسترهای حقوقی و قانونی، زمینه اجرایی شدن این موضوع را فراهم کنند. اما برای تحقق کامل وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود، باید دو موضوع دیگر را نیز بررسی کرد. اول شیوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود که برای درج در دفاتر حسابرسی و تعیین کل دارایی‌های دفتری حائز اهمیت است. دوم بررسی مبانی فقهی و قانونی کشور برای ایجاد مبانی صحیح حقوقی. در ادامه گزارش به این دو موضوع پرداخته می‌شود.

^۱ البته گفتنی است پیش از این آیین‌نامه، انجمن تخصصی مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن پیشنهاد خود را مبنی بر لحاظ نمودن دارایی‌های فکری (نامشهود) به عنوان وثیقه بانکی در «پیش‌نویس لایحه وثایق بانکی» که در کمیسیون اقتصادی هیات دولت در سال ۱۳۹۸ مطرح بود، به دفتر کل امور اقتصادی و سیاست‌های تجاری وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه کرد. اما به دلیل به سرانجام نرسیدن لایحه مذکور از ذکر آن در متن گزارش خودداری شد.



۱. مبانی نظری مدل‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود

بیش از هر چیز لازم است تا با مبانی نظری دارایی‌های نامشهود آشنا شد. از این رو در این بخش مدل‌های ارزشیابی دارایی‌های نامشهود و همچنین مزایا و معایب این روش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

۱- مدل‌های مبتنی بر هزینه^۱

در این مدل‌ها بر هزینه‌های تحمل شده جهت توسعه مالکیت معنوی و همچنین توسعه دارایی‌های نامشهود توجه می‌شود. در این نوع مدل‌ها هزینه‌هایی که تحمل شده‌اند و انتظار می‌رود دارای منافع آتی باشند به عنوان دارایی نامشهود شناسایی می‌شوند. مدل‌های مبتنی بر هزینه به طور کلی نمی‌توانند مزایای بالقوه‌ای که از دارایی به دست می‌آید، به طور مستقیم به دارایی نامشهود ارتباط دهد. مدل‌های مبتنی بر هزینه، تاریخی و گذشته‌نگر بوده و اغلب شامل نوعی تعدیل مانند در نظر گرفتن هزینه استهلاک در طول زمان برای دارایی نامشهود هستند. شرکت‌های مختلف با توجه به راهبرد و نوع صنعت هزینه‌های مختلفی را در این نوع مدل ثبت می‌کنند. به همین دلیل مدل مبتنی بر هزینه‌ها در صنایع گوناگون متفاوت است و نوع هزینه‌ها تغییر می‌یابد. این مدل‌ها اغلب جهت اهداف نظارتی استفاده می‌شود. به‌طور مثال کاربرد رایج این مدل جهت هدف‌های حسابداری برای شناسایی دارایی‌های نامشهود است. کاربردهای دیگر این مدل جهت اهداف مالیاتی و تشخیص مالیات می‌باشد. به همین دلیل مدل مبتنی بر هزینه‌ها دارای پشتیبانی لازم جهت اهداف مالیاتی و حسابداری می‌باشد. اجزای این مدل محدود است ولی این مدل‌ها تصویری کامل از جنبه‌های بالقوه کاربرد دارایی را نشان نمی‌دهد. دلیل عمده آن این است که از جنبه تاریخی، این مدل‌ها نمی‌توانند درآمدهایی که در آینده به دست می‌آید را به طور مستقیم به دارایی‌های نامشهود ارتباط دهد و آن را اندازه‌گیری کند. (طالب‌نیا و بدایعی، ۱۳۹۷)

۲- مدل‌های مبتنی بر بازار^۲

مدل‌های مبتنی بر بازار، ارزش دارایی‌های نامشهود را به وسیله مشاهده آن در بازار اندازه‌گیری می‌کند. دارایی‌هایی که می‌توان آنها را در بازار مقایسه کرد و ارزش آن در بازار قابل اندازه‌گیری باشد شناسایی می‌شوند. هنگامی که دارایی قابل مقایسه باشد این مدل کاربرد دارد و به راحتی می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. شرکت‌های مختلف، بازارهای متفاوتی به عنوان مبنا جهت ارزیابی دارایی‌های نامشهود انتخاب می‌کنند. تعداد زیادی شرکت وجود دارد که دارایی‌های نامشهود خود را بر اساس مدل‌های دیگر ارزیابی کرده‌اند. مشکل عمده این مدل انتخاب بازار مناسب و همچنین مدل ارزیابی دارایی نامشهود در شرکت مورد مقایسه می‌باشد. دقت مدل‌های مبتنی بر بازار تا حد زیادی به نقطه مقایسه جهت ارزیابی دارایی‌های نامشهود بستگی دارد. در اغلب موارد مشخص کردن دارایی قابل مقایسه و مناسب بودن مقایسه مشکل است و تحت تأثیر قضاوت‌های ذهنی قرار می‌گیرد. به همین دلیل مدل‌های مبتنی بر بازار هنگامی که بازار مشخص و قابل اتکا در مورد دارایی‌های نامشهود وجود داشته باشد مناسب و زمانی که هیچ تعریف مشخصی از بازار جهت مقایسه دارایی‌ها وجود نداشته باشد نامناسب می‌باشد. مدل‌های مبتنی بر ارزش بازار، حقوق قانونی و همچنین منابع شرکت جهت استفاده از دارایی نامشهود را نادیده می‌گیرد. نوع صنعت و همچنین یکسان بودن منابع، قابلیت مقایسه شرکت‌ها را

¹ Cost-Based Models

² Market-Based Models

۱- جریان منافع اقتصادی آتی دارایی به درون واحد تجاری محتمل باشد؛

۲- بهای تمام شده دارایی به گونه‌ای اتکا پذیر قابل اندازه‌گیری باشد.

لازم به ذکر است (همانطور پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت) در مورد سرقتی ایجاد شده در درون واحد تجاری، اگرچه انتظار می‌رود به جریان منافع اقتصادی آتی کمک کند، لیکن به طور جداگانه قابل تشخیص نیست و لذا حائز معیارهای شناخت به عنوان دارایی نمی‌باشد. در واقع سرقتی ایجاد شده در واحد تجاری به علت اینکه حقوقی قابل کنترل نیست، منافع اقتصادی آتی مشخصی ایجاد نمی‌کند و بهای تمام شده آن نیز به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری نیست، لذا اساساً به عنوان دارایی شناسایی نمی‌شود. (همان) این موضوع صراحتاً در بند (۱) تصویب‌نامه درخصوص دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۴ بانک مرکزی نیز ذکر شده است.

در خصوص روش شناسایی بهای تمام شده اولیه دارایی نامشهود باید گفت بر مبنای طریقه تحصیل آن می‌توان چهار دسته زیر را مورد شناسایی قرار داد:

۱. تحصیل جداگانه:

اگر دارایی نامشهود به صورت جداگانه تحصیل شود، بهای تمام شده آن را می‌توان به صورت قابل اتکایی محاسبه کرد. بهای تمام شده یک دارایی نامشهود متشکل است از بهای خرید (شامل مالیات و عوارض) و هرگونه مخارجی که برای آماده سازی دارایی جهت استفاده قابل انتظار است. تخفیفات نقدی نیز باید از بهای خرید کسر شود. این نکته قابل ذکر است که اگر دارایی به صورت اعتباری تحصیل شده باشد، بهای تمام شده معادل بهای نقدی خرید است. همچنین هرگونه مابه‌التفاوت بهای نقدی با مجموع پرداختی‌ها در حساب هزینه سود تضمین شده ثبت می‌شود. مخارج اداری، عمومی و فروش، تبلیغات، آموزش کارکنان و همچنین مخارجی که بعد از بهره‌برداری انجام می‌شود نباید در بهای تمام شده و ارزش دفتری دارایی نامشهود محاسبه شوند.

۲. تحصیل از طریق ترکیب تجاری:

در صورتی که یک دارایی نامشهود در ترکیب تجاری تحصیل شود، بهای تمام شده آن برابر ارزش منصفانه آن است. منظور از ارزش منصفانه مبلغی است که خریدار و فروشنده مطلع، دارایی مورد نظر را با آن قیمت مبادله می‌کنند. در ترکیب تجاری گاهی ممکن است یک دارایی نامشهود تنها به همراه یک دارایی مشهود قابل تفکیک باشد. مثلاً ممکن است علامت تجاری یک معدن مربوط به یک معدن خاص باشد و نتوان آن را جداگانه فروخت. در صورتی که نتوان ارزش منصفانه هر یک از دارایی‌ها را به صورت جداگانه و به صورت قابل اتکا اندازه‌گیری کرد، مجموع دارایی‌ها به عنوان یک دارایی واحد شناسایی می‌شود.

۳. تحصیل از طریق معاوضه:

یک یا چند دارایی نامشهود می‌توانند در ازای یک یا چند دارایی پولی یا غیر پولی تحصیل شوند. بهای تمام شده اینگونه دارایی‌های نامشهود به قیمت منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند. در صورتی که قیمت منصفانه دارایی قابل اتکا نباشد، بهای تمام شده به ارزش دفتری دارایی اندازه‌گیری می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که تمام مطالب بالا تنها برای معاوضه با ماهیت تجاری صادق است.

۴. ایجاد دارایی نامشهود در واحد تجاری:

طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۷ بهای تمام شده یک دارایی نامشهود شامل مجموع مخارج واقع شده از تاریخی می‌باشد که ویژگی‌های دارایی نامشهود (منافع اقتصادی آتی، بهای تمام شده به گونه اتکاپذیر و قابلیت تکمیل، استفاده یا فروش دارایی) را احراز کند. هم چنین مخارجی مانند: مواد و خدمات استفاده شده برای ایجاد دارایی نامشهود، حقوق و مزایای کارکنانی که در ایجاد دارایی نقش داشته‌اند، مخارج ثبت حقوق قانونی، استهلاک حق اختراع و حق امتیازی که برای ایجاد دارایی نامشهود به کار می‌رود و استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود مورد استفاده در ایجاد دارایی نامشهود نیز می‌توانند به بهای تمام شده دارایی نامشهود ایجاد شده توسط واحد تجاری منتسب شود.

برای اندازه‌گیری دارایی نامشهود بعد از شناخت اولیه، واحد تجاری باید یکی از دو روش زیر را انتخاب کند:

۱. **روش بهای تمام شده:** در این روش بهای تمام شده دارایی نامشهود پس از کسر استهلاک انباشته و هرگونه هزینه کاهش ارزش انباشته منعکس می‌شود.
۲. **روش تجدید ارزیابی:** در این روش بهای تمام شده دارایی نامشهود به صورت مبلغ تجدید ارزیابی شده پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعدی ارائه می‌شود.

از دیگر مسائل مهمی که در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود باید به آن اشاره کرد، عمر مفید دارایی‌های نامشهود است که از مهم‌ترین مسائل حسابداری مربوط به این دارایی‌هاست. طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۷ واحدهای تجاری باید معین یا نامعین بودن عمر مفید دارایی خود را مشخص کنند و در صورت معین بودن، مدت، تعداد تولید یا سایر معیارهای مشخص کننده را تعیین کنند. البته نامعین بودن عمر مفید دارایی به معنی نامحدود بودن نیست، در واقع به علت ماهیت غیرعینی دارایی‌های نامشهود گاهی مشخص نمودن عمر مفید دارایی ممکن نیست. عمر مفید برخی دارایی‌های نامشهود بسیار طولانی یا حتی نامعین است. تجربه نشان داده به علت مبهم بودن عمر مفید این دارایی‌ها، بهتر است عمر مفید دارایی به صورت محتاطانه برآورد شود.

شایان ذکر است شرایط و ضوابط استهلاک دارایی‌های نامشهود مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بخش حسابداری این دارایی‌هاست. همانطور که در بالا گفته شد دارایی‌های نامشهود نسبت به عمر مفید خود به دو دسته «بای عمر مفید معین» و «بای عمر مفید نامعین» تقسیم می‌شوند که استهلاک این دو نوع دارایی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد:

✓ استهلاک دارایی‌های نامشهود با عمر مفید معین

مبلغ استهلاک دارایی‌های نامشهود با عمر مفید معین باید به صورت سیستماتیک و با استفاده از یکی از روش‌های استهلاک (خط مستقیم^۱ یا نزولی^۲)^۳ که با الگوی مصرف منافع اقتصادی واحد تجاری هم‌خوانی دارد، انجام شود و اگر الگوی واحد تجاری قابل

^۱ روش خط مستقیم: هزینه استهلاک هر دوره = عمر مفید (سال) / (بهای تمام شده - ارزش اسقاط)

^۲ هزینه استهلاک هر دوره = نرخ استهلاک (استهلاک انباشته تا دوره محاسبه - بهای تمام شده)

^۳ بر اساس ماده ۱۵۰ قانون مالیات‌های مستقیم محاسبه استهلاک به دو روش نزولی و مستقیم پذیرفته شده است. در تبصره ۱ این ماده هزینه مربوط به تغییر یا تعمیرات اساسی دارایی، جزو قیمت تمام شده دارایی محسوب می‌شود. تبصره ۲ همین ماده بیان می‌کند که موسسات می‌توانند هزینه‌های نرم افزاری خود

تعیین نباشد باید از روش خط مستقیم استفاده شود. زمان شروع محاسبه استهلاک از زمانی است که دارایی برای استفاده آماده باشد و زمان توقف آن زمانی است که دارایی به عنوان دارایی نگهداری شده برای فروش طبقه‌بندی شود. ارزش باقی مانده دارایی‌های نامشهود با عمر مفید معین برابر صفر است، مگر آنکه شخص ثالثی خرید دارایی را پس از پایان عمر مفید آن به قیمت مشخصی تعهد کرده باشد یا ارزش باقی مانده آن به شکل قابل اتکایی قابل محاسبه باشد.

✓ استهلاک دارایی‌های نامشهود با عمر مفید نامعین

دارایی‌های ثابت نامشهود با عمر مفید نامعین مستهلک نمی‌شوند. واحد تجاری موظف است با انجام آزمون کاهش ارزش، به شکل مقایسه ارزش بازیافتنی و ارزش دفتری، در دوره‌های سالانه یا هر زمانی که شواهدی مبنی بر کاهش ارزش دارایی وجود داشته باشد، ارزش دارایی را کاهش دهد. همچنین واحد تجاری موظف است در هر دوره از نامعین بودن عمر مفید دارایی اطمینان حاصل کند.

آخرین مبحث ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود واگذاری و کنارگذاری آنهاست. این دارایی‌ها باید در زمان کنارگذاری یا واگذاری، از ترازنامه حذف شوند. واگذاری دارایی نامشهود می‌تواند به روش‌های مختلفی مانند فروش، اجاره سرمایه‌ای یا اهدا صورت بگیرد. سود یا زیان حذف یک دارایی نامشهود از ترازنامه باید با عنوان «سود یا زیان غیر عملیاتی» شناسایی شود. مبلغ سود یا زیان برابر است با مابه‌التفاوت مبلغ تحصیل شده از واگذاری دارایی و ارزش منصفانه دارایی نامشهود.

اما در خصوص اینکه در چه صورتی این شیوه ارزش‌گذاری قابلیت استناد دارد، باید به آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری که پیش‌تر نیز مورد اشاره قرار گرفت، مراجعه کرد. مطابق با این آیین‌نامه، ارزش‌گذاری، فرایند برآورد کمی ارزش اقتصادی دارایی‌های نامشهود است که بر اساس یکی از روش‌های علمی و کاربردی معتبر ارزش‌گذاری صورت می‌پذیرد. همچنین معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مسئولیت تمام و کمال این حوزه را برعهده دارد و با اعطای مجوز به مؤسسه یا شرکت‌های دارای صلاحیت، صلاحیت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود را تعیین می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، شرکت‌های دانش‌بنیان با فناوری و یا هر شرکتی که دارای دارایی‌های نامشهود بوده و متمایل به ارزش‌گذاری آنهاست، باید به یکی از مؤسسات یا شرکت‌های دارای مجوز از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مراجعه و از این طریق به ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود خود اقدام کند. متقاضی دریافت مجوز، لازم است تقاضای خود را در سامانه ارزش‌گذاری که سامانه‌ای الکترونیکی جهت ثبت و اعطای مجوز به مؤسسه یا شرکت ارزش‌گذاری و مدیریت پایگاه اطلاعات ارزش‌گذاری است، ثبت کند. سپس با استفاده از هیأت کارشناسان که متشکل از چند کارشناس است حسب مورد از رشته‌های یکسان یا متفاوت، مطابق ضوابط تشکیل می‌شود، در خصوص صلاحیت متقاضی تصمیم‌گیری می‌شود.

مطابق با ماده (۴) آیین‌نامه مذکور، اصول و روش‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به شرح زیر است:

را از ۳ سال تا حد اکثر ۵ ساله مستهلک کنند. گفتنی است هر کجا که میان قانون مالیات‌های مستقیم و استانداردهای حسابداری تناقض وجود داشته باشد، معیار و ملاک جهت انجام عملیات حسابداری قانون مالیات‌های مستقیم است.

- ۱) ارزش‌گذاری باید با رعایت اصول محرمانگی، شفافیت، بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع و بر اساس مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی، تحلیل مالی، تجاری و اقتصادی و ارزیابی ابعاد فناورانه و محاسبه ریسک (خطر)های مربوط باشد و کیفیت و کمیت داده‌ها و اطلاعات، منبع، مستندات، هدف ارزش‌گذاری و روش‌های استفاده شده به طور مستند تشریح شود.
 - ۲) ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود نباید با استانداردهای حسابداری الزام‌آور مغایر باشد و باید متناسب با نوع، ماهیت و هدف تعیین شده برای ارزش‌گذاری، براساس یک یا ترکیبی از روش‌های علمی و معتبر ارزش‌گذاری از جمله هزینه محور، بازارمحور و درآمد محور انجام شود.
 - ۳) کلیه مصادیق مالکیت فکری از قبیل اختراع، طرح صنعتی، نام و علامت تجاری و آثار ادبی و هنری منوط به این که استفاده از آنها خلاف عرف و مقررات عمومی نباشد، قابل ارزش‌گذاری است ولی ارزش‌گذار موظف است در ارزیابی خود تطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران را لحاظ نماید. (حمایت از دارایی‌های ارزش‌گذاری شده موضوع این بند مشروط به رعایت الزامات و انجام اقدامات قانونی توسط سرمایه‌گذار برای حمایت از دارایی‌های خود در ایران است)
 - ۴) هزینه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود بر عهده سرمایه‌گذار است، مگر آن که به نحو دیگری توافق شود.
 - ۵) ارزش‌گذار مکلف است گزارش موضوع ارزش‌گذاری ارجاعی طبق این آیین‌نامه را ظرف سه ماه تحویل متقاضی دهد. در صورتی که به علت اموری خارج از اراده ارزش‌گذار، تمدید مهلت تعیین شده ضرورت داشته باشد، ارزش‌گذار مراتب را ظرف ده روز قبل از انقضای مهلت به متقاضی اعلام می‌کند و متقاضی می‌تواند مهلت مزبور را به میزان مناسب تمدید کند. در صورت عدم تحویل گزارش ارزش‌گذاری در مهلت مقرر، متقاضی می‌تواند ارزش‌گذار جایگزین تعیین کرده و امر ارزش‌گذاری را به هزینه خود به ایشان ارجاع دهد.
 - ۶) در صورتی که متقاضی یا سرمایه‌گذار نسبت به ارزش‌گذاری انجام شده اعتراض داشته باشند، می‌توانند ظرف ده روز از زمان ابلاغ نتیجه ارزش‌گذاری و تنها برای یکبار اعتراض خود را اعلام نمایند. در این صورت ارزش‌گذار موظف است ظرف ده روز نسبت به رایحه گزارش مقتضی اقدام نماید و در غیر این صورت ارزش‌گذاری توسط یک ارزش‌گذار دیگر انجام می‌شود.
- جهت اجرای صحیح این آیین‌نامه، مراجع ذی‌صلاح صدور پروانه کارشناسی رسمی موظف شدند نسبت به ایجاد یا به روزرسانی کامل رشته‌ها و صلاحیت‌های مرتبط با ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود اقدام کرده و فهرست کارشناسان رسمی دارای صلاحیت در این زمینه را به صورت مستمر به روزرسانی و اعلام و برای کارشناسان رسمی به طور مستمر دوره‌های آموزشی، کارآموزی و بازآموزی تخصصی در زمینه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود همراه با طراحی عناوین، سرفصل‌ها و منابع مناسب علمی و کاربردی برگزار کنند.

مبانی فقهی و قانونی وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود در ایران

تصمیمات ساختار سرمایه یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که مدیران مالی با آن مواجه هستند. در این تصمیم‌گیری به ظاهر ساده که به عنوان ترکیب بهینه منابع مختلف تأمین مالی شرکت تعریف می‌شود، مدیران می‌توانند تنها به واسطه ایجاد سرمایه، که از اهمیت بالایی برخوردار است، تأثیر به‌سزایی بر مزیت‌های رقابتی موجود در یک صنعت داشته باشد و از طرفی ساختار سرمایه هر

شرکت، هشدار اولیه‌ای در ارتباط با میزان مضیفه مالی شرکت است و لازم است در برنامه‌ریزی استراتژیک شرکت‌ها و تعیین عوامل مؤثر بر کارایی تأمین مالی مورد توجه جدی باشد. (متین فرد و قوشائی‌قوچق، ۱۳۹۳)

بنابر تحقیقات اخیر یکی از عوامل تعیین‌کننده مجموعه ساختار مالی شرکت، دارایی‌های وثیفه‌ای آن می‌باشد. هرچه میزان دارایی‌های وثیفه‌ای شرکت بیشتر باشد، شرکت وام و اعتبار بیشتری می‌تواند تحصیل نماید. با توجه به این تئوری که سهام‌داران شرکت‌ها این انگیزه را دارند که به‌وسیله سرمایه‌گذاری‌های غیربهرینه اقدام به تصرف ثروت طلبکاران نمایند، لذا طلبکاران اقدام به وثیفه کردن مطالبات خود در قبال دارایی‌های شرکت می‌نمایند. یک بانک تجاری عموماً برای تضمین وام مدت‌دار، درخواست وثیفه می‌کند. معمولاً یک دارایی ثابت نظیر کامیون، کشتی یا بخشی از ماشین‌آلات به‌عنوان وثیفه در رهن، قرار خواهد گرفت. بانک‌ها به‌منظور اطمینان از بازگشت تسهیلات اعطایی، به دریافت وثایق معتبر از مشتریان مبادرت می‌ورزد تا در صورت عدم تأدیه بدهی‌ها و ایفای تعهد در سررسید مقرر، بتواند طلب خویش را از محل وثایق استیفا نماید (ملاکریمی، ۱۳۹۲)

اما وثیفه‌گذاری دارایی‌ها با مشکلاتی همراه است از جمله اینکه شرکت‌ها، دارایی‌های ثابت خود را به ارزش دفتری ثبت می‌نمایند و ارزش دفتری دارایی‌ها نیز به دلیل وجود هزینه استهلاک، کسر آن از ارزش دارایی، پس از چند سال عملاً با ارزش روز دارایی‌ها کاملاً متفاوت است و مؤسسات اعتباری (در ایران عموماً بانک‌ها) جهت اعطای هر گونه وام از دارایی‌های شرکت کارشناسی به عمل آورده و بر اساس ارزش روز دارایی‌های شرکت جهت اعطای وام عمل می‌نمایند. لذا در عمل مشاهده می‌شود شرکت‌های با قدمت بالا که دارای ارزش دفتری دارایی پایین و ارزش روز دارایی بالایی هستند، قدرت وام‌گیری بیشتری دارند، در صورتی که دفاتر خلاف آنرا نشان می‌دهند. همچنین زمانی که از دارایی‌ها به‌عنوان وثیفه استفاده می‌شود، حباب قیمت آنها می‌تواند به افزایش اعتبار منجر شده، زمانی که قیمت دارایی‌ها ناگهان کاهش می‌یابد، بنگاه‌ها با محدودیت‌های مالی جدی مانند، کاهش ارزش وثیفه‌هایشان روبه‌رو می‌شوند، این نوسانات می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را به صورت قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. (رنجبر و همکاران، ۱۴۰۰)

از تغییرات در ارزش وثیفه دارایی‌های واحد تجاری که از تغییرات در قیمت املاک منتج می‌شود، به‌عنوان یک عامل بیرونی مؤثر در ظرفیت تأمین مالی واحد تجاری استفاده شده است. انتظار می‌رود تغییرات ارزش وثیفه در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری واحد تجاری تأثیرگذار باشد. زمانی که قیمت املاک افزایش می‌یابد، شرکت‌هایی که املاک بیشتری دارند، در ارزش وثیفه خود، افزایش بیشتری به دست می‌آورند که این امر باعث افزایش ظرفیت تأمین مالی آنها می‌شود و از محدودیت‌های مالی برای سرمایه‌گذاری بیشتر آنها می‌کاهد (فرج‌زاده و رضازاده، ۱۳۹۷) بر همین اساس پژوهشگران معتقدند **دارایی‌های نامشهود**، محرک اصلی رشد و ایجاد ارزش در بسیاری از بخش‌های اقتصادی است. پنمن^۱ تفاوت دارایی مشهود و نامشهود را در فیزیکی بودن و قابلیت شناسایی می‌داند و عقیده دارد حتی اگر دارایی‌های نامشهود شناسایی شوند، قیمت بازار مناسبی برای آنها وجود ندارد و ارزش تخمینی یک دارایی نامشهود هرگز نمی‌تواند با قیمت بازار تأیید شود و به‌طور ذاتی، قضاوتی است (Penman, 2009)

مارتین و آلوز^۲ استدلال می‌کنند نتیجه آزادی عمل در رفتار اختیاری مدیران سبب تشدید بیشتر ارزیابی دارایی نامشهود، جابه‌جایی دارایی (انتقال ریسک) و افزایش مشکلات سرمایه‌گذاری می‌شود که درنهایت، مشکلات انتخاب مغرضانه را تشدید می‌کند. از این

¹ Penman

² Martins, J., & Alves, S.

دیدگاه، دارندگان بدهی در معرض بیش‌ترین ریسک در عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های ورشکستگی زیاد قرار دارند. در نتیجه، دارندگان بدهی، اعتبار خود را برای شرکت‌ها با تشدید دارایی نامشهود محدود خواهند کرد. وجود دارایی نامشهود نیز کنترل سهام‌داران را بر حجم بدهی افزایش خواهد داد؛ زیرا مالکان برای تأمین مالی دارایی نامشهود به حقوق صاحبان سهام به جای ایجاد بدهی تمایل دارند؛ زیرا بدهی صرف پرداختی بیشتری دارد که سبب ریسک زیادی برای تأمین مالی نوآوری می‌شود؛ بنابراین، این قضیه سبب همبستگی منفی بین سرمایه‌گذاری در دارایی نامشهود با سطح بدهی می‌شود. (Widiantoro, 2012)

علاوه بر آنچه گفته شد، چالش اساسی به زیرساخت‌های قانونی در حوزه وثیقه‌گذاری بازمی‌گردد. از آنجایی که دریافت وثیقه از متقاضی تسهیلات در قالب قرارداد رهن تعریف می‌گردد، وثیقه گذاری دارایی‌های نامشهود می‌توان با چالش‌هایی روبه‌رو باشد. چرا که طبق اصول حاکم بر قرارداد رهن، تنها رهن اعیان صحیح است.

در توضیح بیشتر باید گفت یکی از فعالیت‌های گسترده‌ای که در نظام بانکداری ایران به تبع نظام بانکی متعارف صورت می‌پذیرد، تخصیص منابع است. عمده نیازهای متقاضیان از طریق اعطای تسهیلات در قالب معاملات و قراردادهای مجاز شرعی تأمین می‌گردد. بانک به منظور اطمینان از بازگشت تسهیلات اعطایی به دریافت وثایق معتبر از مشتریان مبادرت می‌ورزد تا در صورت عدم تأدیه بدهی یا ایفای تعهد در سررسید مقرر، بتواند طلب خویش را از محل وثایق استیفا نماید. انواع وثایق کاربردی در نظام بانکداری عبارتند از اموال اعم از منقول و غیرمنقول، اسناد (رسمی، تجاری و عادی) و اوراق بهادار (اوراق مشارکت و سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس). اما بانک‌ها در بسیاری از موارد ترجیح می‌دهند که از مشتریان وثایق ملکی دریافت نمایند. برخی از علل استقبال بانک‌ها از وثایق ملکی عبارتند از:

۱. املاک و مستغلات به سهولت قابل ارزیابی و قیمت‌گذاری از طرف بانک است؛
 ۲. از خطراتی چون سرقت، فساد، کهنگی و از مد افتادگی (حداقل در مدت زمان معقول و طی دوره بازپرداخت وام) در امان است؛
 ۳. با وجود اینکه ارزش ثابتی ندارند، اما بهای آن غالباً سیر صعودی دارد؛
 ۴. نیاز به محل مخصوصی برای نگهداری و انبار کردن ندارد.
- اما وثیقه‌گذاری اعیان و اموال با مشکلاتی نیز مواجه است:

۱. زمین و ساختمان به سادگی قابل خرید و فروش نیست و نقل و انتقال آن می‌بایست در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد که این ثبت نیز تابع تشریفات قانونی است. در واقع سرعت نقد شوندگی املاک پایین است؛
۲. انتقال املاک و مستغلات مستلزم پرداخت هزینه‌های ثبت، مالیات و مانند آن است؛
۳. بها و ارزش این دارایی ثابت نبوده و با توجه به شرایط خاص بازار، قابل پیش‌بینی هم نیست.

با ملاحظه این مشکلات و با توجه به اینکه یکی از موانع دسترسی آسان نیازمندان وجوه به اعتبارات بانکی، شرایط دشوار اعطای تسهیلات از جمله مطالبه وثایق ملکی توسط بانک‌ها به عنوان وثیقه اعتبارات است، در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۷ مجلس شورای اسلامی طرحی را تصویب کرد که پس از تأیید شورای نگهبان، با نام «قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها و سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی» قدرت

اجرایی یافت و در اواسط تیر ماه ۱۳۸۰ توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی به بانک‌های کشور ابلاغ شد. با توجه به اینکه دریافت وثیقه از متقاضی تسهیلات در قالب قرارداد رهن تعریف می‌گردد، وثیقه گذاری دارایی‌های نامشهود با مشکلاتی روبرو می‌گردد. طبق اصول حاکم بر قرارداد رهن، تنها رهن اعیان صحیح است؛ چراکه دارای ویژگی به قبض درآمدن هستند اما رهن دین جایز نیست زیرا نمی‌توان آن را به قبض درآورد. دارایی‌های نامشهود هم به دلیل ماهیت غیرملموس و غیرعینی، در زمره اعیان قرار نمی‌گیرد، لذا به‌نظر می‌رسد به وثیقه نهادن آن با ساختار فعلی جایز نمی‌باشد.

اما تمایل عمومی دکترین با توجه به نیازهای روز تجارت، خصوصاً در عرصه بین‌المللی، به سمت پذیرش رهن این گونه اموال است. اما در مقام سنجش و به لحاظ نظری باید گفت آن دیدگاهی که بتواند با کم‌ترین تغییر در نظام فعلی، نتیجه مطلوب را حاصل کند، بهتر می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. اما از منظر عملی، امکان مقابله با ظهور ماده (۷۷۲) قانون مدنی در مورد وجوب قبض نیست و نمی‌تواند شرط بودن آن را انکار کرد. در نتیجه باید اذعان کرد در وضعیت فعلی و با توجه به قانون مدنی قابلیت پذیرش دارایی‌های نامشهود در قالب عقد رهن موضوع قانون مدنی امکان‌پذیر نیست و باید از راه‌های قانونی دیگری بهره جست. به منظور روشن شدن این بحث، لازم است در ابتدا به صورت اجمالی به معرفی عقد رهن و احکام آن پرداخته شود تا بتوان راهکارهای مناسب برای حل این موضوع را ارائه داد.

رهن در فقه اینگونه تعریف شده است: رهن عبارت است از این که مالی وثیقه دینی باشد که بر ذمه رهن است. به منظور این که مرتهن طلب خود را در صورت تعذر استیفای آن از سوی متعهد، از محل وثیقه وصول نماید. تعریف رهن در حقوق نیز بدین ترتیب است: رهن عقدی است که به موجب آن بدهکار یا شخص ثالث، مال موجود در خارج (اعم از منقول یا غیرمنقول) را به عنوان وثیقه به بستانکار می‌دهد تا اگر بدهی خود را در سررسید ندهد از محل فروش وثیقه، طلب بستانکار داده شود. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸)

رهن مطابق ماده (۷۷۱) قانون مدنی عقدی است که به موجب آن مدیون، مالی را برای وثیقه به داین می‌دهد. رهن دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند. در مجموع رهن از نظر شرع، عرف و لغت عبارت است از آنچه رهن در مقابل دینش به عنوان وثیقه نزد مرتهن قرار می‌دهد.

یکی از اوصاف عقد رهن، تبعی و عینی بودن آن است. بنا بر اعتقاد اکثر فقهای شیعه، عقد رهن از عقود عینی است که موضوع آن حتماً عینی از اعیان است. علاوه بر این عقد رهن، عقدی تبعی است؛ بدین معنا که باید پیش از آن دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین آن مالی به وثیقه داده شود. در واقع وجود دین شرط صحت عقد رهن است؛ زیرا در صورت عدم وجود دین، عقد رهن فاقد مبنا و هدف می‌گردد.

در ادامه و در بیان ارکان عقد رهن باید گفت، در فقه امامیه نسبت به اثر قبض در وقوع عقد رهن یا لزوم آن سه نظر گوناگون داده شده است. برخی از فقیهان بر این باورند که عقد رهن با ایجاب و قبول واقع می‌شود و قبض هیچ‌گونه تأثیری در صحت یا لزوم این عقد ندارد (شیخ طوسی). براساس نظریه دوم، گرچه عقد با ایجاب و قبول واقع می‌شود ولی قبل از قبض از دو طرف جایز است و بعد از آن بر رهن لازم می‌گردد. بر اساس نظریه سوم، قبض عین مرهونه از ارکان عقد رهن و از شرایط صحت آن به شمار می‌رود (امام خمینی). از ماده (۷۷۲) قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که قانون‌گذار، نظریه سوم را برگزیده است: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد، داده شود ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست». در خصوص

لزوم عین بودن مال مرهونه نیز مطابق با ماده (۷۷۴) قانون مدنی، «مال مرهون باید عین باشد و رهن دین و منفعت باطل است»؛ زیرا عقد رهن با قبض مورد رهن محقق می‌شود لذا باید عین خارجی وجود داشته باشد که قابلیت قبض را دارا باشد. لازم به ذکر است که قانون مدنی در این باره از دیدگاه مشهور فقهای شیعه تبعیت کرده و حکم به بطلان رهن دین و منفعت داده است. البته برخی از فقها نیز به عدم بطلان رهن دین قائلند. از نظر برخی حقوق‌دانان معاصر رهن اسناد تجاری مثل اسناد در وجه حامل یا سهام بی‌نام شرکت‌ها از آنجا که در حکم عین معین هستند، صحیح است؛ زیرا در دید عرف ارزش موضوع آنها چنان با عین سند مخلوط شده است که انتقال و قبض اسناد به منزله انتقال و قبض اموال موضوع آنهاست (کاتوزیان، ۱۳۸۳). گفتنی است از نظر مشهور فقها، رهن مالی صحیح است که در ملکیت راهن باشد و قابلیت فروش را داشته باشد تا مرتهن بتواند در صورت لزوم از محل فروش آن دین خود را استیفا نماید. قانون مدنی در این زمینه در ماده (۷۷۳) مقرر می‌دارد که «هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمی‌تواند مورد رهن واقع شود».

گفتنی است تنها اثر قبض در عقد رهن، وثیقه شدن رهن است. در واقع حکمت جعل رهن ایجاد پشتیبان برای مرتهن است، پس اگر مرتهن عین مرهونه را قبض نکند، فلسفه وثیقه محقق نگردیده؛ چون وثیقه شدن بستگی به قبض دارد و شارع مقدس قبض را برای وثیقه شدن رهن، مطرح ساخته است. بنابراین می‌توان دیدگاه قانون مدنی در ماده (۷۷۲) را مورد انتقاد قرار داد. مفاد این ماده، متناسب با دیدگاه فقهای است که قبض عین مرهون را از ارکان عقد رهن و از شرایط صحت آن به شمار می‌آورند. افزون بر این برخی از حقوق‌دانان معاصر نیز در مورد لزوم عین بودن مرهون معتقدند که مورد رهن لازم نیست که حتماً از اموال اصالی باشد، بلکه اموال آلی را هم می‌توان به رهن داد. اموال اصالی اموالی هستند که ذاتاً دارای ارزش‌اند مانند غذایی، البسه و اموال آلی اموالی‌اند که خودشان دارای مالیت نیستند اما نماینده اموال با ارزش ذاتی هستند؛ مانند اسکناس یا اسناد خزانه که حاکی از استحقاق دارنده آن به دریافت مقداری پول رایج است.^۱ به نظر این حقوق‌دانان، تعریف عین معین در ماده (۷۷۴)^۲ قانون مدنی بر این اشیاء نیز صدق می‌کند. در واقع به طور کلی هر آنچه که مالیت دارد، عین معین است. این رویکرد می‌تواند تا حدی گره گشای وثیقه‌گذاری برخی دارایی‌های نامشهود که در مالیت آنها تردیدی نیست، باشد.

اشکالی دیگری که در رابطه با اخذ وثایق بانکی در قالب عقد رهن وجود دارد همانطور که در بالا نیز گفته شد، این است که پیش از انعقاد قرارداد رهن باید دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین آن مالی به وثیقه داده شود. در واقع وجود دین شرط صحت عقد رهن است؛ زیرا در صورت عدم وجود دین، عقد رهن فاقد مبنا و هدف می‌گردد. البته در توجیه اینکه وثایق بانکی بدون وجود دینی از قبل و در قالب عقد رهن منعقد می‌شود، گفته شده که از دیدگاه قانون مدنی - به موجب مفهوم ماده (۶۹۱)^۳ آن - ضمان از دینی که سبب قانونی آن ایجاد شده ولی هنوز به دلیل فراهم نیامدن شرایط ثبوت در ذمه، قابل مطالبه نیست، صحیح است - پس بایستی رهن گذاردن برای آن نیز مجاز باشد. بنابراین بانک‌ها می‌توانند پس از دادن اعتبار از مشتریان خود برای تضمین مبالغی که آن

^۱ این تعبیر از اموال (اصالی و آلی) در کتاب «حقوق مدنی؛ رهن و صلح» نوشته حقوق‌دان برجسته محمدجعفر جعفری لنگرودی (۱۳۸۸) مطرح شده است.

^۲ مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است.

^۳ ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده است، باطل است.

مشتری از محل اعتبار وام می‌گیرد، وثیقه بگیرند؛ زیرا پیمان مربوط به اعطای اعتبار خود سبب دین مشتری و مبنای تعهد او به بازپرداخت وام است و شرط تحقق این دین و ثبوت آن بر ذمه مشتری استفاده از اعتبار مورد توافق است. (کاتوزیان ۱۳۷۷)

اما برای اینکه توجیه بالا دارایی مبنای حقوقی نیز باشد، برخی از حقوقدانان بین رهن و وثیقه قائل به تفاوت شده‌اند و این دو را، دو عقد جدا از هم تعریف کرده‌اند. در واقع راهکاری منطقی که متناسب با نظام حقوقی ایران باشد و این قابلیت را ایجاد کند که وثیقه‌گذاری تمامی اموال امکان‌پذیر باشد، این است که بتوان دو ویژگی **داشتن نام معین و نیز شرایط و احکام خاص در قانون** را برای قرارداد وثیقه ثابت کرد و به این نتیجه رسید که عقد مزبور نیز یکی از عقود معین است. وثیقه در لغت به معنای استوار و محکم کردن و همچنین اطمینان کردن است. چنان که وقتی گفته می‌شود: **وَقَّعَ الامر = یعنی آن کار را استوار و محکم کرد و یا هنگامی که گفته می‌شود: "وَقَّعَهُ" یعنی او را قابل اعتماد معرفی نمود.** توثیق عبارت از است ایجاد اطمینان نسبت به امری که به طور معمول نسبت به حصول آن تردید وجود دارد.

البته لفظ توثیق کاربردهای گوناگونی دارد. در حقوق فرانسه، وثایق در یک دسته‌بندی کلی به وثایق عینی^۱ و وثایق شخصی^۲ تقسیم می‌شوند. در تعریف وثیقه عینی گفته‌اند: «وثیقه‌ای است که بر روی یک یا چند مال معین منقول یا غیرمنقول متعلق به بدهکار یا شخص ثالث، به منظور اعطای حق عینی به طلبکار مستقر می‌شود...» و آن را در برابر وثیقه شخصی که مصداق اصلی آن، ضمان است، قرار می‌دهند. در قانون مدنی فرانسه، وثایق عینی ذیل دو عنوان «نانتیسمان»^۳ و «ایپوتک»^۴ جمع شده‌اند. در حقوق داخلی نیز تقسیم وثایق به عینی و شخصی پذیرفته شده است؛ لیکن بر خلاف حقوق کشورهای نظیر فرانسه، هنگام بحث از عقود دارای اثر توثیقی، تنها از عقد رهن سخن به میان می‌آورند. این عقد با توجه به سابقه تاریخی خود و علی‌رغم فقدان مبنای تحلیلی قوی، در حال حاضر به گونه‌ای طراحی شده است که پاسخ‌گوی نیازهای فعلی نخواهد بود و بسیاری از اموال با ارزش را که به مراتب اطمینان بیشتری نسبت به بازپرداخت طلب ایجاد می‌کند، شامل نمی‌شود. (جعفرپور و سیاهبیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰)

بررسی تاریخی موضوع نشان می‌دهد که فقهای امامیه تفاوتی میان رهن و وثیقه به عنوان دو عقد مجزا قائل نبوده‌اند؛ بلکه رهن را به وثیقه دین تعریف کرده‌اند.^۵ یا عقدی که برای استیثاق^۶ به وصول دین تشریع شده است. این تعاریف از رهن نشان می‌دهد که فقهای امامیه از وثیقه برای تعریف رهن استفاده کرده و خود وثیقه را به عنوان عقدی مستقل مدنظر قرار نداده‌اند. به نظر می‌رسد فقهای اهل سنت نیز چنین تفکیکی را مد نظر نداشته‌اند؛ زیرا ماده (۷۰۱) *مجله الاحکام* که متأثر از آموزه‌های فقه حنفی است، در تعریف رهن می‌گوید: «الرهن حبس مال وتوثيقه فی مقابل حق یمکن استیفاؤه منه ویسمی ذلک المال مرهونا أو رها». صرف نظر از صیغه تاریخی موضوع، به نظر می‌رسد تدوین کنندگان قانون مدنی نیز تفکیک میان این دو عقد را شناسایی نکرده‌اند (همان)؛ از این رو وثیقه، در نظام حقوقی ما جایگاهی روشن به عنوان یک عقد خاص ندارد و غالباً به عنوان نامی برای مجموعه‌ای از عقود و یا نتیجه عقود خاصی معرفی می‌شود و همانطور که گفته شد رهن را عقدی برای استیثاق دین معرفی نموده‌اند. بنابراین بین وثیقه، رهن و

^۱ Sûreté réelle.

^۲ Sûreté personnelle

^۳ Nantissement

^۴ Hypothèque

^۵ جبعی عاملی و محقق حلی.

^۶ به وثیقه گذاشتن

سایر عقود که به این شکل با وثیقه در ارتباطند تفاوتی نگذاشته نمی‌شود. به این ترتیب عقود ضمان، حواله، کفالت و رهن، عقود رهنی هستند؛ بر این اعتبار که در نتیجه آنها استواری و اعتماد حاصل می‌آید. از این رو به نظر می‌رسد که نباید میان عقد رهن و وثیقه قائل به اتحاد شد. (فاطمی‌قمشه، ۱۳۹۸) اما در نظری دیگر و در مقام پاسخ‌گویی به نظر گفته شده، باید گفت توثیق، نتیجه‌ای است که از رهن حاصل می‌آید؛ اگر چه انحصار به ایجاد از طریق رهن ندارد و به نظر می‌رسد خود، عقد معینی باشد. بنابراین نباید گفت که تعریف رهن به توثیق، تعریف به مجهول است و همچنین نباید گفت رهن همان توثیق است و در نتیجه تعریف به نفس شده است. وثیقه‌ای که در تعریف رهن از آن یاد می‌شود، همان نتیجه قرارداد مزبور است که مترادف با مفهوم استحکام اجرای تعهدات قراردادی است. در حالی که قرارداد وثیقه، عقدی است که مانند رهن می‌تواند به نتیجه اطمینان‌بخشی منجر شود و یکی از قالب‌های ایجاد توثیق باشد. (انصاری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱)

تا به اینجا، این مهم مطرح شد که وثیقه می‌تواند در قالب عقدی غیر از عقد رهن محقق شود. لیکن این مسأله خود موجد این سؤال است که آیا این عقد هم‌عرض عقد رهن در قالب یک قرارداد خصوصی مشمول ماده (۱۰) قانون مدنی است یا اینکه خود یکی از عقود معین با ارکان و شرایط خاص؟

برخی از اساتید حقوق مدنی چنین اظهارنظر می‌کنند که ماده (۱۰) قانون مدنی راه حلی برای وثیقه‌گذاران اموالی که در تعریف عین معین قرار نمی‌گیرند، به دست می‌دهد. در واقع مطابق این نظر، این قرارداد توثیق، رهن اصطلاحی محسوب نمی‌شود، بلکه قراردادی است مشمول ماده (۱۰) قانون مدنی. نظریه فوق به طور ضمنی، قرارداد وثیقه را به عنوان یک عقد نامعین می‌پذیرد و مستند صحت آن را ماده (۱۰) قانون مدنی می‌داند. اما باید دانست که از این ماده در برابر نظریه توقیفی بودن عقود استفاده می‌کنند و مفاد آن از این قرار است که ولو قراردادی در هیچ یک از قالب‌های عقود معین منعقد نشود، به شرط مخالف قانون نبودن، این قرارداد را باید نافذ شناخت. لذا تمامی عقود مستحدثی^۱ که شرایط و اقتضائات آنها با یکی از قالب‌های عقود معین هماهنگی ندارد، با این ماده توجیه می‌شوند، لیکن هیچگاه نمی‌توان از این ماده برای فرار از قواعد امری عقود معین استفاده نمود. برای مثال می‌دانیم که قبض، شرط تحقق هبه است، حال آیا می‌توان گفت که دو نفر می‌توانند بخششی در قالب ماده (۱۰) صورت دهند که نیاز به قبض نداشته باشد؟ هیچ حقوقدانی چنین نتیجه‌ای را نمی‌پذیرد. زیرا در این صورت، عقود معین و قواعد امری حاکم بر آنها مبنای خود را از دست می‌دهند. لذا از ماده (۱۰) باید برای نافذ شناختن عقود نامعین استفاده نمود، نه فرار از قواعد امری حاکم بر عقود معین. (جعفرپور و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰)

در مورد بحث ما نیز ماده (۷۷۴) از قواعد امری حاکم بر رهن است^۲ و همان‌گونه که شرط خلاف آن پذیرفته نمی‌شود، از ماده (۱۰) قانون مدنی نیز نمی‌توان برای دور زدن آن استفاده نمود. در مقابل نظریه فوق می‌توان نظریه دیگری ارائه نمود که عبارت است از نظریه عقد معین بودن قرارداد وثیقه. عقود معین «گروهی از قراردادهاست که در قانون نام خاص دارد و قانون‌گذار شرایط ویژه

^۱ مستحدثه در اصطلاح فقها به مسائل نوظهور در هر موضوعی می‌گویند که پیشینه ندارد و در روایات سخنی از آنها به میان نیامده است و در نتیجه حکم شرعی در باره آنها وجود ندارد، نیز به مسائل تازه‌ای که در هر موضوعی مطرح شده، به طوری که قبلاً وجود داشته و حکم شرعی نیز درباره آنها صادر شده، اما با دگرگون شدن روابط حاکم بر جامعه و تغییر برخی از صفات آنها، حکم شرعی دیگری درباره آن انتظار می‌رود، مستحدثه گفته می‌شود.

^۲ گفتنی است برخی معتقدند ماده (۷۷۴) امری نیست. لیکن نظر به تظاهر ماده و نیز از این جهت که ماده مزبور در مقام بیان یکی از شرایط صحت عقد است، به نظر می‌رسد حق با کسانی است که این ماده را امری می‌دانند.

و آثار آنها را معین کرده است ... برعکس، عقود نامعین در قانون عنوان و صورت ویژه ندارد، شمار آنها نامحدود است و شرایط و آثار هر پیمان بر طبق قواعد قراردادهای و اصل حاکمیت اراده معین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱). با این مقدمه در صورتی که در ادامه بتوان دو ویژگی مزبور را برای قرارداد وثیقه به اثبات رساند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که عقد مزبور یکی از عقود معین است و در نتیجه برای استفاده از داری‌های نامشهود در اخذ اعتبارات بانکی، به جای عقد رهن، می‌توان از عقد وثیقه استفاده کرد که مانع عین معین بودن و به قبض درآمدن را ندارد.

۱. افتراق رهن و وثیقه از حیث داشتن نام معین در قانون

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که در وهله اول، لفظ «وثیقه» در قانون مدنی در ارتباط با عقد رهن مطرح شده است. (ماده ۷۷۴ قانون مدنی). اما در مواردی غیر از قانون مدنی، در حالتی که شرایط برای ایجاد صحیح و کامل عقد رهن فراهم نبوده، قانون‌گذار ترجیح داده تا از لفظ وثیقه به جای رهن استفاده کند. از این رو شاید بتوان با تفسیری موسع از آنچه مدنظر قانون‌گذاران بوده، به این نتیجه رسید که با به کار بردن لفظ «وثیقه» بدون اینکه وابسته به عقد رهن باشد، یک تأسیس نوین وارد عالم حقوق شده است. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ قانون معادن

می‌دانیم که اصولاً اسناد به اعتبار مفاد خود معتبرند و به‌خودی‌خود دارای ارزش نیستند. لذا جز در موارد استثنایی، وقتی که مقنن یک سند را قابل توثیق می‌داند، به اعتبار ارزش حق موضوع آن است. پیشتر اشاره شد که مقنن حقوق و دیون را به عنوان موضوع عقد رهن نپذیرفته است؛ لذا در اینجا یکی از شرایط عقد رهن مفقود است. لیکن مقنن در اصلاحات قانون معادن در سال ۱۳۹۰ پروانه بهره‌برداری معادن را که متضمن حق انتفاع ۲۵ ساله دارنده پروانه است، قابل توثیق می‌داند. ماده (۹) این قانون مقرر می‌دارد: «پروانه بهره‌برداری، سند رسمی، لازم‌الاجرا، قابل معامله، تمدید و توثیق است که متضمن حق انتفاع دارنده پروانه از ذخیره معدنی مندرج در پروانه و نیز در بردارنده تعهدات وی در اجرای مفاد آن می‌باشد». مقنن در این قانون، هنگام تفریر جواز وثیقه‌گذاری یک سند مبین حق انتفاع، از لفظ «رهن» استفاده نمی‌کند، بلکه برای بیان این مهم از لفظ «توثیق» یا «وثیقه» بهره می‌گیرد. (جعفرپور و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰) علاوه بر این در تبصره (۱) ماده مذکور، مؤسسات مالی نظیر بانک‌ها را مکلف کرده تا معادن دارای پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان وثیقه و تضمین اعطا بازپرداخت تسهیلات مالی بپذیرد.

❖ قرار وثیقه در امور کیفری

مطابق با بند (خ) ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی کیفری^۱، یکی از قرارهای تأمین کیفری، اخذ وثیقه است. قرار مزبور، واجد دو جنبه قضایی و قراردادی است. قاضی ابتدا قرار وثیقه را صادر می‌کند که این جنبه، صرفاً قضایی است؛ لیکن پس ارائه وثیقه مورد

^۱ منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:
خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

نظر توسط متهم یا شخص ثالث، قاضی قرار قبول وثیقه را صادر می‌نماید. (آشوری، ۱۳۸۲) که این توافق میان وثیقه‌گذار و مقام قضایی ماهیتاً یک قرارداد است.

این موضوع در ماده (۴۲۹) قانون مجازات اسلامی^۱، ماده (۱۸) قانون صدور چک^۲ و نیز سایر قوانینی که به این قرار اشاره نموده‌اند، نیز تکرار شده است. حال اگر بتوان ثابت کرد که قرار مورد نظر قانون‌گذار، عقد رهن نبوده، بلکه قراردادی دیگری را مدنظر داشته است، دو نتیجه را به دست می‌آید: نخست آنکه قرینه دیگری است بر این موضوع که مقنن، وثیقه را در قوانین به عنوان ماهیتی مجزا از عقد رهن مطرح نموده و دوم آنکه زمانی این لفظ را به کار برده که یکی از شرایط عقد رهن مفقود بوده است. در مقام تبیین ماهیت این قرارداد که با صدور قرار قبولی وثیقه توسط مقام قضایی منعقد می‌گردد، باید گفت با توجه به ماده (۲۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری، مبنای اخذ وثیقه حسب مورد جبران خسارت یا دیه‌ای است که متهم در صورت اثبات اتهام باید بپردازد؛ اگرچه در همین قرارداد حسب مورد، متهم - در صورتی که خودش وثیقه‌گذار باشد، متعهد می‌گردد که در صورت احضار توسط مقام قضایی، حاضر گردد یا شخص ثالث - در صورتی که وی وثیقه‌گذار باشد، متعهد می‌گردد که در صورت احضار متهم توسط مقام قضایی، وی را حاضر کند و ضمانت اجرای تخلف از این تعهد، ضبط وثیقه به میزان مبلغ موضوع قرار است. با این تفسیر، قرارداد وثیقه در امور کیفری به یک عقد و یک تعهد در ضمن عقد تحلیل می‌شود که در عقد اصلی که موضوع بحث ماست، وارد دانستن اتهام به یک شخص صرف نظر از اثبات آن، برای صدور قرار وثیقه و به تبع آن عقد قرارداد وثیقه کافی است، در حالی که می‌دانیم یکی از شرایط حقی که برای آن رهن داده می‌شود، قرار گرفتن یا ثبوت آن بر ذمه راهن است و مشهور حقوقدانان معتقدند حتی در جایی که سبب دین نیز محقق شده باشد، نمی‌توان برای تضمین پرداخت آن، مالی به رهن نهاد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸). البته حتی بنا بر نظر کسانی که امکان انعقاد رهن را برای دینی که سبب آن ایجاد شده است نیز می‌پذیرند، حداکثر می‌توان دادن رهن برای دیه پیش از استقرار جنایت و نیز اخذ رهینه توسط بانک‌ها پس از گشایش اعتبار را توجیه نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۲). لیکن هیچ‌گاه صرف توجه اتهام به یک شخص، سبب دین محسوب نمی‌گردد. با این توضیحات مشخص گردید که مقنن یک بار دیگر در جایی که یکی از شرایط عقد رهن وجود ندارد، یک قرارداد با اثر توثیقی را معرفی می‌نماید و در ارتباط با آن، از لفظ «وثیقه» استفاده می‌کند.

❖ قوانین مربوط به سهام وثیقه

^۱ در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا محکوم علیه، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید، با شکایت محکوم علیه از این امر، دادگاه صادرکننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس کتاب پنجم «تعزیرات» و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقه مناسب و تایید رئیس حوزه قضایی و رئیس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.

^۲ مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، حسب مورد یکی از قرارهای تامین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید.

مطابق با ماده (۱۱۴) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷^۱، تبصره (۲) ماده (۱۰۰) قانون برنامه پنجساله توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹^۲ و تصویب‌نامه بانک مرکزی در خصوص پذیرش سهام عدالت به منظور وثیقه صدور کارت اعتباری توسط بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی مصوب ۱۳۹۹^۳، می‌توان به این نتیجه رسید که سهام مدنظر قانون‌گذاران، برای جبران دینی درنظر گرفته شده که در زمان اخذ وثیقه موجود نبوده و ممکن است در آینده ایجاد شود. این درحالی است که همانطور که پیش‌تر و به کرات مورد اشاره قرار گرفت، یکی از شرایط صحت عقد رهن، اثبات وجود دین پیش از انعقاد عقد است. همچنین از آنجایی که دیگر شرط صحت عقد رهن، عین بودن مرهونه است و سهام (صرف‌نظر از برگه‌ای که نشان‌دهنده سهام بوده و می‌تواند واجد عنوان معین بودن قرار بگیرد) در عالم واقع وجود عینی ندارد، در نتیجه وثیقه به کار رفته در سه سند قانونی یاد شده، به هیچ عنوان نمی‌تواند به عنوان عقد رهن درنظر گرفته شود و لفظ «وثیقه» معنایی متفاوت از رهن را تأسیس می‌کند.

از این قوانین که از باب تمثیل در اینجا گردآوری شده‌اند، این نتیجه حاصل می‌شود که مقنن بارها از قرارداد وثیقه در قانون نام برده و این موارد استعمال، در جایی صورت گرفته که یکی از شرایط عقد رهن فراهم نبوده است. ممکن است ایراد شود که مقنن قرارداد وثیقه را مانند سایر عقود معین حتی مانند عقد بیمه تعریف نکرده است؛ زیرا معمول این است که مقنن ماهیتی را بیان و آن را نام‌گذاری نماید، در حالی که این مهم در مورد قرارداد وثیقه رعایت نشده است. لذا ادعای عقد معین بود وثیقه، از حیث داشتن نام معین، محل اشکال است. در پاسخ باید گفت که بحث وضع الفاظ برای معانی خاص، همیشه بر یک منوال نیست. گاهی مقنن از روش فوق پیروی می‌کند و گاهی نیز ماهیتی را که مد نظر دارد بی‌آنکه صراحتاً در جایی تعریف و نام‌گذاری نماید، به طور مکرر و در مواضع گوناگون به یک نام می‌خواند؛ به گونه‌ای که پس از مدتی همگان مفهوم مورد نظر مقنن را تحت همان عنوان خاص می‌شناسند. مسأله مورد بحث مشابه با وضع تعیینی و تعینی در علم اصول فقه^۴ است. نام‌گذاری عقود موجود در قانون مدنی، مشابه

^۱ مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مقاصد حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته باشد سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

^۲ در اجرای ماده (۳۴) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی آن دسته از دریافت‌کنندگان سهام عدالت که قبل از پایان دوره تقسیط خود و یا از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، مابه‌التفاوت اقساط باقیمانده بهای سهام دریافتی خود را پرداخت نمایند، می‌توانند از تخفیف در بهای سهام برای دوره‌های باقیمانده برخوردار شوند. دستورالعمل تخفیف و نحوه انتقال سهام با پیشنهاد سازمان خصوصی‌سازی به تصویب هیأت واگذاری می‌رسد.

تبصره ۲- سازمان خصوصی‌سازی پس از تأیید هیأت واگذاری می‌تواند به میزان اقساط معوق و سررسیدشده با رعایت دوره شش ماهه پس از مهلت مقرر قانونی و اعلام به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، سهام وثیقه نزد خود را برای وصول اقساط معوق تملک نماید.

^۳ بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی می‌توانند با شرایط زیر نسبت به پذیرش سهام عدالت به منظور وثیقه صدور کارت اعتباری اقدام نمایند:

۱- درصدی از ارزش آن بخش از سبد سهام دارندگان سهام عدالت که آزاد شده است، در چهارچوب ضوابط به عنوان وثیقه صدور کارت اعتباری قابل پذیرش خواهد بود.

۲- سهام تمامی شرکت‌های موجود در سبد سهام دارندگان سهام عدالت که آزاد شده است باید به عنوان وثیقه صدور کارت اعتباری پذیرفته شود.

۳- صدور کارت اعتباری به پشتوانه وثیقه سهام عدالت، صرفاً برای متقاضی که سهام عدالت متعلق به وی توثیق شده است، امکان پذیر می‌باشد.

^۴ وضع تعیینی عبارت است از اعتبار و جعل لفظ برای یک معنا توسط واضع. در واقع واضع، لفظی خاص را برای افاده معنایی معین در زمان مشخص تعیین و استعمال می‌کند و دیگران هم از او پیروی می‌کنند. در مقابل آن، وضعی تعینی است که وضع حاصل از کثرت استعمال لفظ در یک معناست. به عبارت دیگر، وضعی است که بر اثر کثرت استعمال، در گذر زمان و به تدریج شکل می‌گیرد.



وضع تعینینی است، لیکن نام‌گذاری قرارداد وثیقه، مشابه وضع تعینینی است. در واقع به دلیل کثرت استعمال این لفظ برای ماهیت مورد نظر مقنن در قوانین مختلف، این نام برای این ماهیت به صورت تعینینی وضع شده است. (جعفرپور و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۴۰۰)

۲. افتراق رهن و وثیقه از حیث داشتن شرایط و احکام خاص در قانون

برای درک صحیح‌تر تفاوت بین شرایط عقد رهن و وثیقه، لازم است تا به سه موضوع مهم اشاره شود:

نخست آنکه برای اثبات این شرط، لزومی ندارد تفاوت میان دو عقد به نحوی باشد که هیچ نقطه مشترکی میان آنها فرض نشود. در مقام تقریب به ذهن، می‌توان به دو عقد معاوضه و بیع اشاره کرد. این دو عقد از حیث شرایط انعقاد، تفاوتی با یکدیگر ندارند و آنچه باعث تشخیص این دو نهاد می‌گردد، تعیین یا عدم تعیین عوضین قرارداد به عنوان مبیع و ثمن است و از سوی دیگر اثر اصلی هر دو قرارداد نیز تملیک است. لیکن از حیث برخی آثار نظیر تحقق حق شفعه و خيارات خاص با یکدیگر متفاوت‌اند. لذا دو عقد رهن و توثیق نیز می‌توانند به همین صورت مورد بررسی قرار گیرند و در عین شباهت‌های بسیاری که از حیث شرایط انعقاد و آثار دارند، تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد که به استقلال این عقود رهنمون می‌گردد و تنها لازم است که در این مجال، بدین تفاوت‌ها اشاره کرد. دوم آنکه وجود دو نهاد دارای اثر توثیقی مستقیم در یک نظام حقوقی هیچ استبعادی ندارد؛ زیرا در کشورهای فرانسه و انگلیس نیز از چند نهاد توثیقی در عرض یکدیگر و با موضوعات متفاوت استفاده می‌شود و بسیاری از آثار آنها نیز مشترک است. سوم آنکه گاهی مقنن یک عقد را به عنوان مرجع سایر عقود هم‌سنخ در نظر می‌گیرد و سپس قواعد این سنخ عقود را ضمن آن مطرح می‌نماید، بدون آنکه قصد داشته باشد این قواعد را صرفاً به عقد مرجع اختصاص بدهد؛ برای مثال، مقنن عقد بیع را به عنوان مادر عقود تملیکی در نظر می‌گیرد و سپس قواعدی نظیر ضمان درک، ضمان معاوضی، شرایط مورد معامله و ... را بیان می‌نماید که در واقع مربوط به همه عقود تملیکی است و اختصاص به بیع ندارد و به تبع همین امر، این قواعد را ضمن سایر عقود تکرار نمی‌کند و از همین باب است که به عقد معاوضه که یکی از عقود معین است، تنها یک ماده اختصاص داده شده؛ لیکن قواعد مذکور در عقد بیع به استثنای آنچه مختص بیع است، بر عقد معاوضه نیز حکومت دارد. طرح این نکته از این حیث است که بیان کنیم عقد رهن نیز در میان عقود دارای اثر توثیقی و به عبارت دقیق‌تر وثایق عینی، عقد مادر محسوب می‌گردد و قواعد مربوط به شرایط صحت و آثار این دسته از عقود، ضمن آن مطرح شده است که در ضمن قرارداد وثیقه، نیازی به تکرار آنها نباشد. (همان)

براساس آنچه گفته شد، در بیان تفاوت‌های عقد رهن و وثیقه باید به دو نکته اشاره کرد:

اولاً موضوع عقد رهن، عین معین است (ماده ۷۷۴ قانون مدنی) و طبق نص صریح قانون مدنی، رهن دین و منفعت باطل می‌باشد. اما مبنای اصلی وثیقه، پذیرفتن توثیق آن دسته از اموال است که رهن آنها صحیح نیست و در زمره عین معین قرار نمی‌گیرند. در واقع با بررسی قوانین مختلف (به غیر از آنچه در قانون مدنی به صراحت در خصوص عین معین بودن مرهونه ذکر شده)، هر جا قانون‌گذار امکان به وثیقه گذاشتن موردی غیر از عین معین (دین، منفعت، حقوق و ...) را در نظر داشته از لفظ «وثیقه» استفاده کرده و اشاره‌ای به عقد رهن نکرده است. در خصوص شرط قبض نیز می‌توان از دو دیدگاه آن را مورد تحلیل قرار داد:

در دیدگاه اول می‌توان مدعی شد در قرارداد وثیقه، برخلاف عقد رهن، شرط به قبض درآمدن نیز منتفی است. چراکه قبض در صورتی قابلیت تحقق در عالم واقع را دارد که موضوع عقد، عین معین باشد. در حالی که همانطور که توضیح داده شد، در قرارداد وثیقه، موضوع قرارداد، غیر از عین معین است. کما اینکه در مواردی از قوانین مختلف که به وثیقه اشاره شده، صحبت از قبض به میان نیامده است.

اما براساس دیدگاه دوم باید به این نکته اشاره کرد که در خصوص قبض، برخی حقوقدانان معتقدند قبض در اصطلاح یک مفهوم عرفی است. بنابراین برای شناسایی این مفهوم باید مرجع آن را مورد بررسی قرار داد. در عرف، قبض را چیزی جز توانایی قابض بر تصرف در مورد قبض نمی‌دانند و این مفهوم در متون فقهی و حقوقی مانند ماده (۳۶۷) قانون مدنی^۱ وارد شده است. اگر چه ظاهراً در مفهوم قبض بین فقها اختلاف نظر وجود دارد، اما با کمی تأمل می‌توان دریافت که این اختلاف، یک اختلاف مصداقی است و مفهوم، مورد اتفاق می‌باشد.^۲ با این بیان، قبض در موردی غیر از عین معین نیز امکان‌پذیر است و در این خصوص ایرادی وجود ندارد؛ چرا که قابض با دستیابی به بروز خارجی این اموال یا هر چیزی که حق وی را بر آن اموال ثابت کند، می‌تواند تصرف مورد نظر خود را در آن انجام دهد. البته این دیدگاه نیازمند گسترش معنای قبض در رویه قضایی است. (انصاری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱) در نتیجه با فرض پذیرفتن قرارداد وثیقه در امور غیرمادی (غیر از عین معین بودن) نیز امکان قبض مورد وثیقه به ترتیبی که گذشت امکان‌پذیر است.

برای مثال در خصوص عین معین نبودن می‌توان به «دستورالعمل اجرایی اعطای تسهیلات خرد» مصوب اردیبهشت ۱۴۰۵ بانک مرکزی اشاره کرد. در ماده (۶) اینچنین آمده:

«در اعطای تسهیلات خرد به مشتری دارای سابقه و امتیاز اعتباری، مؤسسه اعتباری می‌تواند با رعایت تکالیف قانونی و مقررات مرتبط و همچنین شرایط مندرج در این دستورالعمل، متناسب با امتیاز اعتباری مشتری، میزان تسهیلات خرد اعطایی و درجه‌ی نقدشوندگی وثایق و تضامین ارایه شده، حداکثر دو مورد از تضامین و وثایق به شرح مصادیق ذیل از تسهیلات‌گیرنده یا ضامن دریافت کند.

۱. اوراق تجاری از قبیل چک یا سفته مشتری؛

^۱ تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع.
^۲ توضیح بیشتر این که برای اطلاق گیری از ماده (۳۶۷) قانون مدنی، احراز مقدمات حکمت ضروری است، و بنابر نظر مشهور اصولیین منظور از مقدمات حکمت موارد زیر می‌باشد: ۱- متکلم در مقام بیان باشد؛ ۲- امکان اطلاق و تقیید وجود داشته باشد؛ قرینه‌ای بر تقیید در کار نباشد. با توجه به مقدمات مذکور امکان استناد به اطلاق و اژه قبض در ماده (۳۶۷) قانون مدنی به طوری که هم قبض اموال مادی و هم قبض اموال غیرمادی (همچون دارایی‌های نامشهود موضوع این گزارش) را در برگیرد، وجود دارد؛ زیرا اولاً- با فرض حکمت قانون‌گذار، او مطابق عقل و اراده و بدون سهو و غفلت، حکم خود را صادر نموده و در مقام بیان همه مقصود خویش بوده است؛ ثانیاً- مفهوم قبض در ماده مورد نظر امکان اطلاق و تقیید دارد بدین ترتیب که هم می‌تواند مطلق باشد و شامل قبض اموال مادی و غیرمادی شود، و هم این که مقید باشد و تنها ناظر به یکی از این دو حالت محسوب گردد؛ ثالثاً- در قانون هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که نشان دهد کلام قانون‌گذار صرفاً اختصاص به قبض اموال مادی دارد، در حالی که اگر قید خاصی در مراد او دخالت داشت یا وی فقط بعضی از مصادیق و افراد مطلق را اراده نموده بود، باید به اقتضای حکمت خویش مخاطبان را از تمام مراد خود آگاه می‌ساخت و همه خصوصیات و قیودی که در مقصودش مدخلیت داشت را بیان می‌کرد. (کریمی و نجف‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۹)

۲. اوراق بدهی اعم از اوراق پذیرفته شده در بازار سرمایه و غیر آن؛
۳. سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از جمله سهام عدالت؛
۴. واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس؛
۵. چک یا سفته توسط ضامن؛
۶. اموال عینی با ارزش عرفی از قبیل خودرو، مسکوکات یا مصنوعات طلا؛
۷. حساب‌پارانه اشخاص؛
۸. گواهی کسر از حقوق توسط مشتری یا ضامن؛
۹. ضمانت یک نفر کاسب دارای پروانه کسب که در زمان اعطای تسهیلات دارای فعالیت اقتصادی دایر باشد؛
۱۰. در مناطق روستایی ضمانت یک نفر ساکن روستا که اهلیت و صلاحیت وی توسط شورای اسلامی روستا مورد تأیید واقع شود، ممه‌ور به مهر شورای اسلامی روستا؛
۱۱. سیم کارت دائمی ثبت شده تحت مالکیت مشتری؛
۱۲. برای روستائیان، کشاورزان، دامداران سنتی و عشایر، پروانه چرای دام، پروانه چاه کشاورزی، سند مالکیت اراضی کشاورزی، ضمانت زنجیره‌ای؛
۱۳. ضمانت صادره توسط بنگاه محل اشتغال مشتری، متضمن تضمین دیون تسهیلات‌گیرنده؛
۱۴. قرارداد لازم‌الاجرا؛
۱۵. سایر تضامین متناسب با امتیاز اعتباری مشتری و تشخیص مؤسسه اعتباری..»

همانطور که ملاحظه می‌شود در این ماده، صراحتاً از مواردی نام برده شده که در تعریف سنتی از رهن، مردود شناخته می‌شدند اما با استفاده از لفظ «وثیقه» به عنوان تضمین قابل پذیرش برای دریافت تسهیلات به رسمیت شناخته شده‌اند. مواردی همچون بدهی، سهام و دین.

ثانیاً همانطور که پیش‌تر نیز مورد اشاره و تحلیل قرار گرفت، یکی از شرایط عقد رهن، وجود دینی از قبل است (ثبوت حق بر ذمه مدیون). اما در خصوص قرارداد وثیقه، با تتبع در قوانین مرتبط، این نتیجه حاصل می‌شود که این شرط در قرارداد وثیقه نیازی به اثبات ندارد. مانند قوانین مربوط به وثیقه کیفری که در بند پیشین توضیح داده شد.

جمع‌بندی

با وجود آن که در اثر گسترش ارتباطات میان اشخاص و توسعه اسباب اقتصادی در دنیای امروز، دارایی‌های نامشهود جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند، اما از منظر اجرایی، هنوز سازوکار عملی برای استفاده از این دارایی‌ها جهت دریافت تسهیلات بانکی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. البته گفتنی است در سال‌های اخیر قانون‌گذاران با این مهم روبه‌رو شده‌اند که در برخی موارد همچون شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌محور، ارزش دارایی‌های نامشهود به مراتب بیشتر از دارایی‌های مشهود است. از این رو تلاش کرده‌اند تا در راستای مدیریت و استفاده صحیح از این دارایی‌ها گام بردارند. همانطور که در بخش پیشینه قانونی به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت، دو سند با عناوین «آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری، مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۷ هیأت‌وزیران» و «آیین‌نامه

حمایت از تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در حوزه اقتصاد مصوب ۱۴۰۱/۵/۱۹ هیأت وزیران» از مهم‌ترین تلاش‌های دولت برای استفاده بهینه از این دارایی‌هاست. اما آنچه در این گزارش حائز اهمیت است، امکان‌سنجی استفاده از دارایی‌های نامشهود جهت دریافت تسهیلات بانکی است. امری که صراحتاً در بند (۲) ماده (۷) آیین‌نامه حمایت از تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در حوزه اقتصاد مورد اشاره قرار گرفته و بانک مرکزی را موظف کرده تا با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و بیمه مرکزی، نسبت به بسترسازی برای استقرار نظام اعتبارسنجی و گسترش دایره شمول وثایق از جمله دارایی‌های نامشهود و تضمین در نظام بانکی برای شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآور اقدام نماید.

اما آنچه این اقدام را باتوجه به ساختار قانونی کشور، با چالش‌های حقوقی مواجهه خواهد کرد، این است که اعطای تسهیلات بانکی در قالب عقد رهن صورت می‌پذیرد و عقد رهن مطابق با قانون مدنی دارای شرایط و اوصافی است که قابل انطباق با دارایی‌های نامشهود نمی‌باشد. همانطور که در بندهای بالا به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت، عقد رهن تنها در خصوص عین معین قابلیت اجرا دارد و قبض نیز از شرایط صحت آن به‌شماره می‌رود. این درحالی است که مطابق با استاندارد حسابداری شماره (۱۷) و آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، اساساً دارایی نامشهود، یک دارایی فاقد ماهیت عینی است. درنتیجه به‌نظر می‌رسد امکان به وثیقه‌گذاری دارایی‌های نامشهود قابلیت اجرایی شدن ندارد. اگرچه تمایل عمومی دکترین با توجه به نیازهای روز تجارت، خصوصاً در عرصه بین‌المللی، به سمت پذیرش رهن این گونه اموال است. اما در مقام سنجش و به لحاظ نظری باید گفت آن دیدگاهی که بتواند با کم‌ترین تغییر در نظام فعلی، نتیجه مطلوب را حاصل کند، بهتر می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. اما از منظر عملی، امکان مقابله با ظهور قانون مدنی در مورد عین معین بودن مرهونه و وجوب قبض نیست و نمی‌توان شرط بودن آنها را انکار کرد. در نتیجه باید اذعان کرد در وضعیت فعلی و با توجه به قانون مدنی قابلیت پذیرش دارایی‌های نامشهود در قالب عقد رهن موضوع قانون مدنی امکان‌پذیر نیست و باید از راه‌های قانونی دیگری بهره جست.

یکی از کارآمدترین راهکارهایی که در این خصوص می‌توان ارائه داد، افتراق بین عقد رهن و قرارداد وثیقه است. اگرچه فقهای امامیه تفاوتی میان عقد رهن و وثیقه به‌عنوان دو عقد مجزا قائل نبوده‌اند و قانون مدنی نیز به‌تبع صبغه فقهی، تفاوتی میان این دو نهاد قائل نیست، اما به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌ها و قیود حاکم بر عقد رهن و عجز این نهاد از برآوردن نیازهای موجود، بسیاری از حقوقدانان و نیز بسیاری از قوانین و مقررات در صدد ارائه راهکار برای این موضوع برآمده‌اند. لذا همانطور که مورد اشاره قرار گرفت، منطقی‌ترین راهکار تمایز میان عقد رهن و وثیقه و شناختن قرارداد وثیقه به‌عنوان یک عقد معین است.

از تتبع در قوانین این نتیجه به‌دست می‌آید که در بسیاری موارد که امکان انعقاد قرارداد در قالب عقد رهن به دلیل فقدان یکی از شرایط وجود ندارد، مقنن از لفظ وثیقه استفاده کرده است. این قوانین از دو جهت حائز اهمیت هستند، اول اینکه اثبات می‌کنند نام قرارداد وثیقه، دارای مبنای قانونی است و به کرات در قوانین مختلف استفاده شده است. دوم اینکه مقنن در جایی از قرارداد وثیقه نام برده که یکی از شرایط عقد رهن فراهم نبوده است و با این اقدام یک تأسیس جدید را به عالم حقوق وارد کرده است. در واقع قانون‌گذار با استفاده از لفظ وثیقه، از طریق وضع تعینی، این واژه را برای نهادی خاص معرفی کرده است.

لذا از مجموع آنچه گفته شد، برای آنکه بتوان از دارایی‌های نامشهود به عنوان تضمین دریافت تسهیلات بانکی استفاده کرد، لازم است تا این کار در قالب قرارداد وثیقه صورت بگیرد، قراردادی که در آن لازم نیست تا تضمین عین معین باشد. در خصوص ویژگی

قبض نیز با دو دیدگاه می‌توان از آن عبور کرد. در دیدگاه اول می‌توان اینطور استدلال کرد که باتوجه به اینکه موضوع قرارداد وثیقه عین معین نیست، در نتیجه ضرورت قبض نیز منتفی است. در دیدگاه دوم نیز با برداشت موسع از معنای قبض، استیلا به مفهوم قبض است. درواقع قابض با دستیابی به بروز خارجی اموال یا هر چیزی که حق وی را بر آن اموال ثابت کند، می‌تواند تصرف مورد نظر خود را در آن انجام دهد.

منابع

۱. انصاری، علی، ذوالفقاری، سهیل. (۱۳۹۱) **توثیق اموال غیرمادی در حقوق ایران**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۸۲) **آیین دادرسی کیفری**، سمت، چاپ سوم، تهران.
۳. جعفرپور، جمشید، سیاهبیدی کرمانشاهی، سعید. (۱۴۰۰) **جستاری نقادانه در باب تحول مفهوم توثیق اموال از رهن سنتی تا وثیقه در حقوق نوین**، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضویال دوره سیزدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸) **حقوق مدنی: رهن و صلح**، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸) **ترمیمولوژی حقوق**، گنج دانش. چاپ اول، تهران.
۶. دبیریان، علی (۱۴۰۱) **در ستایش دارایی‌های نامشهود**، برگرفته از گزارش اکونومیست منتشر شده در ۱۹ می ۲۰۲۲ با عنوان **"intangible assets"**، وبسایت رهنمان، قابل دسترسی در: <http://www.rahnaman.com/FA/NoteDetails.aspx?NoteID=28>
۷. رنجبر، محمدرحیم، حسین‌زاده شهری، امید، بدیعی، حسین (۱۴۰۰) **مطالعه تجربی نقش ارزش وثیقه‌ای دارایی‌ها و ویژگی‌های دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های با ارزش حقوق صاحبان سهام منفی**، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت-انجمن حسابداری مدیریت ایران، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان.
۸. سیدنژاد فهیم، سید رضا، اقدامی، اسماعیل (۱۳۹۰) **اهمیت دارایی‌های نامشهود به عنوان مزیت رقابتی پایدار**، نشریه حسابدار رسمی، شماره ۱۴، تابستان.
۹. شاه مرادی، مهسا، فلاح، شمس الله. (۱۳۹۶) **اقتصاد دانشی**، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، کازرون، <https://civilica.com/doc/659152>
۱۰. صالحی، فرهنگ، کاظمی، قباد، رستمی، احسان، اسدی، پرویز (۱۳۹۴) **اقتصاد دانشی، فرصت‌ها و چالش‌های فراروی مدیریت منابع انسانی**، هشتمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت دانش، تهران، <https://civilica.com/doc/532887>
۱۱. طالب‌نیا، قدراله، بداغی، حمید. (۱۳۹۷) **بررسی رابطه دارایی‌های نامشهود و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، سال دوم، شماره ۳، تابستان.
۱۲. فاطمی قمشه، ناهیدالسادات. (۱۳۹۸) **تحلیل حقوقی رهن بیمه‌نامه و وجوه افتراق آن با وثیقه در نظام حقوقی ایران**، فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار، دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز.
۱۳. فرج‌زاده دهکردی، حسن، رضازاده، محسن. (۱۳۹۷) **تأثیر کیفیت حسابرسی در رابطه ارزش وثیقه‌ای دارایی‌ها با سطح تأمین مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها**، مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۲۰)، بهار
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) **حقوق مدنی، عقود معین ۳**، عطایا، گنج دانش، تهران.

Feasibility Study of Intangible Assets

Faezeh Vahed
Legal researcher

Abstract

In today's world and with the advent of technology and information technology revolution, the global economic model has changed radically and intangible assets are the most important new forms of assets. However, from the executive point of view, the practical mechanism for using these assets to receive banking facilities is still in doubt. In recent years, legislators have faced with the fact that in cases such as knowledge - based and technology - based companies, the value of intangible assets is more than evident assets. Therefore, they have tried to take steps to manage and use these assets properly. However, the main challenge is that the granting of banking facilities is in the form of a mortgage contract and the mortgage contract in accordance with the civil code has conditions and attributes that cannot be adapted to intangible assets. As a result, according to civil law, it is not possible to accept intangible assets in the form of a mortgage contract and other legal ways should be used that one of the most efficient solutions is to differentiate between a mortgage contract and a collateral contract.

Key words: intangible assets, collateral, mortgage contract